



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

از گان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۱۹ دوسه ۱۶ تیر ۵۹ - نهمه ۳۰ سال

((کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند - کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند - کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر رزمندگان و روشنفکران انقلابی متکی هستند))
(ولادیسلاو لین)

مانور جدید هیات حاکمه:

تلاشی عبث

هیئت حاکمه در جمعه اخیر بدینال نطق آیت الله خمینی جاری و مجال جدیدی را با عنوان پاکدل ری آذارات آغاز نموده است. بر روی سیاست های گذشته آن نشان میدهد که یکی از تاکتیکهای اصلی آنها برای جلوگیری از فروپاشی رژیم بوده و کارهای سرعت آن طرح شمارهایی است که در شکل بنوعی با خواست رزمندگان مطبق میشود اما در محتوی برضد بوده برای فریب آنان و اخراج سمیت کمری مبارزه با آن است بی شک بوده ما از نظام اداری جنگ آمده اند و خواهان نابودی آن هستند و هیئت حاکمه در کارنامه همین خواست را تلافی میباید که با منافع خود مطبق سازد پاک سازی را با زدودن آرمهای رژیم منحوس گذشته یعنی ماله های که منحصرا در ای از مشکلات اداره ها را کارهای نمیدهد. آغاز منحصرا بدو سبب نمیشود کسی که دارای افکارس مخالف انقلاب اسلامی است ادامه میدهد این گمان میشود اندک تا میل همه نیروهای مرفعی و مبارزی شود که در محسوس اجتماعی این انقلاب از ملکر دروازه آن جنگ آمده اند و خواهان تغییر بنساختی آن هستند! البته میباید تا مل عامر منحصرا و استند رژیم کارنده اند تا زمانی تا واکهای بر حتم مورد تعوض را مکرر در ما و امسا سازماندهی میشود و باط احیای از حتم مسایات اداری سرخا میباید و

نهمه در صفحه ۳۰

جنگ و صلح

در کردستان

درباره موضع اپورتونیستی اکثریت کمیته مرکزی "س.ج" و شاخه کردستان

جنگ در کردستان جنگ مسلمان خلق کردها است حاکمه جمهوری اسلامی یعنی مداخلات حاکم مسلمان پس جنگ منحصرا بقادیماسخو خواهد خلق کرد با سیاست و ما هم هیات حاکمه کوسوی و در سبب محمول بحران انقلابی در سبب سرانسه داری و استند لحاظ اقتصادی سیاسی میباید. از وضعیت رزمندگان

جنگ در کردستان جنگ مسلمان خلق کردها است حاکمه جمهوری اسلامی یعنی مداخلات حاکم مسلمان پس جنگ منحصرا بقادیماسخو خواهد خلق کرد با سیاست و ما هم هیات حاکمه کوسوی و در سبب محمول بحران انقلابی در سبب سرانسه داری و استند لحاظ اقتصادی سیاسی میباید. از وضعیت رزمندگان

نهمه در صفحه ۵۰

ما و امر وحدت

مقاله ای از

اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر

از آبان ماه ۵۹، پس از پیروزی کودتا، ما در کنگره سوسیالیستی برای پاسخ گویی به وظایف عظیمی که بر دوشترس جبهه رزمندگان هم اکنون بر روی او گذاشته و نذارک استقبال از وظایف عظیمتری که انقلاب محسوس و نزدیک جنبش انقلابی سر دوش خواهد کرد! ما باید اساسا موضع کوسوی را در کنگره و اندشولوزیک - سامی با تقویت و فقدان سرانسه، ما سوبنا کنشکهای

نهمه در صفحه ۳۰

در پیک رزمندگان می خوانید:

- پوشش اسلامی، پرده های بروی مشکلات رژیم!
- رفیق تقی شهرام، پایداری در قبال دسیسه های حکومت!
- حمله به مجاهدین رسمی شد!
- بنکه، در پایداری رزمندگان شهر مقاومت!
- اخبار شهر مقاومت.
- اخبار کارگری.
- اعتصاب خونین کارگران قائم شهر
- ستاره درخشانی بر تارک جنبش کارگری ایران
- خطاب به مجاهدین!
- و...

پاسخ به نامه ها

در صفحه ۳۰

رقفا و هواداران!

در صفحه ۸۰

خلق و ضد خلق اسطراب سیاسی پیگاری و... (۳)

در صفحه ۱۳

کارگران جهان متحد شوید!

سر مقاله

بقول آقای حبیبی خنکوی شورای انقلاب تعمیرات جزئی درسیتم اداری خواهند داد آیا تغییر در کار کرده این سیستم باید خواهد آمد؟ آیا اخراج ها و تصفیه ها کطی این زمانه در کارگاه های رژیم گذشته صورت گرفت توانست ما هیت ایس ار کارها را از گویه کند مطلقا خیر آیا هیت ها که که حفظ سیستم را با جنگ و دندان برعهده گرفته است میتوانند با نهادهای اماسی این سیستم مبارزه کند. مطلقا خیر ما - نورهایی که در این رابطه میدهد تا کتیک تمام هیت ها که است که با ترس و لرز از مبارزه، توهما برای جلوگیری از مبارزه و روبه گسترش آسان بر علیه خود سیستمی که با حسد آن است در مقابل مختلف اراده کرده است. با کتیک های سیاسی است که برای تقویت توهم توده ها و تقویت موضعیت سخت متزلزل خویش بکار میگیرد.

سیستم سرمایه داری وابسته حاکم در جامعه ما در زوای بحران فرو رفته است، بحران که از یک سو چنگال بقیدش زندگی زحمتکشان ما را سخت در تنگنا قرار داده است و از سوی دیگر آرام اما با شتاب و بلا انقطاع پرده نوری و مردم فریبی هیت ها که در لایه لایه از هم میبرد و وجهه واقعی و ضد مردمی ای که آن سوی نظایر و ادعای پسر طمطراقی هیت ها که بهفته است برای توده ها عیان میآید. واقعیت خشن زندگی زحمتکشان، گران و کمبود کالاهای مصرفی اساسی توده ها در متن متجاذب و ازای در صد شرح بیگاری، تضیقات فزاینده سیاسی و فرهنگی، جنایات ارگانهای سرکوب هیت ها که کمیندها، با ساداران و ارتش در سرای سر میهن مان که هر روز در گوشه ای نمود پیدا میکند، تلخ تر از آنست که هاله تنفسی که هیت ها که برکود سر خویش کشیده است بتواند برای مدتی طولانی حتی برای بخشی از زحمتکشان تحمل پذیر نماید. خط فاصل میان هیت ها که و خلق بویژه زحمتکشان هر روز که از عمر کوتاه جمهوری اسلامی میگذرد عمقش و مستحکمتر میشود رویا رویی توده ها با هیت ها که گسترش بیشتری یافته و منحصصر میشود. هرگاه و حایه بیوعی محله، مبارزه کارگران شده است که در جبر

اسلامی سرمایه داران را بر سرده خویش با تردید با نفرت میگردند و برای رهایی از آن دست کیسری نموده اند. خلقهای تحت مست میهن ما بویژه خلق قهرمان کردیسیا سیمانه ترین و کثیف ترین جنایات هیت ها که دست بگریان بوده و هستند و اکنون در مسیر سدا و م انقلاب برای تحقق ملی خود هزاران تن از فرزندان دلاورم در آدرجک ددمنشانه هیت ها که در کردستان از دست داده اند. مبارزات زحمتکشان شهری در فشار با رستگین، بحسوران سیستم به شکل مبارزه با کراسی طلب کارو... روبه گسترش است و دست آوردهای دمکراتیک مبارزات خلق ما از که کوچک کتابفرشی تنها میتینگ های سازمانهای مرفقی و انقلابی به انحاء مختلف مسرود تهاجم هیت ها که تها در ده هیت ها که خود در این روش و به گسترش بحران بر سر تقسیم میراث ساختن قیام خونین توده ها هنوز که هنوز است و بعد از ۱۸ ماه نمیتوانی ترسید و ده همچنان دست به گریبان یکدیگر

دش زحمتکشان سکینی میکنند با بر خملت اجتماعی و سر نشاء شکسل گیری خود نیز میتوانده منبغی برای تقویت نیروهای وابسته به رژیم شاه با تدوین توجه به اینک یکسی از زائده های عظیم انگلی سیستم سرمایه داری وابسته است ما دای که این سیستم عطل است بعنوان جز ضروری آن میتواند وسیله ای باشد در شکل گیری توطئه بر علیه خلق ایران چنانکه ارتش جمهوری اسلامی و روشن تر ارتش این سیستم واقعیت خود را در این زمینه در واقعیت علم و دهها جریان دیگر بنمایش گذاشته است. و به همین اعتبار است که نیروهای انقلابی و کمونیست از همان آغاز سقوط رژیم پهلوی تا کید سرانحلال ارتش و سیستم بور و کرانیک حاکم داشتند و این امر همان یکی از اجزاء اصلی تحقق یک انقلاب پرورنده در شرایط حاضر برای توده ها طرح کرده و بر آن پا افتادند اما هیت ها که حاکم بنا بر ماهیت طبقاتی خود از آنجا شیک با مداری از سیستم سرمایه داری وابسته را بر دوش گرفته است

● زحمتکشان ما نمیتوانند در شرایط حاکمیت موجود سیاسی جامعه از هیچ کدام از مظاهر سرمایه داری وابسته از جمله فساد اداری رهایی یابند. حاکمیت موجود خود بقدریت کشنده و سر سرده این فساد اداری و تا مین کشنده منافع عاصریین ماده رژیم سابق بوده است.

بودننا گزیر بور و خراسی و ارتش را حفظ نموده و سر پیمایا نموده و در تمام روندها کمیت خود چنانکه سیاست عمومی اما همان نشان داده است نیز آنرا نه تنها حفظ خواهد کرد بلکه با گسترش بحران آنرا تقویت نیز مینماید. توده ها با یاد دارند که چگونه رهبران حکومتی سرعت پس از قیام با فرامین و فتوی های خود سعی در احیای کامل بوروکراسی و ارتش داشتند اما بوروکراسی موجود در کلیت خود بتوان جز ضروری سیستم سرمایه داری وابسته و حاکمیت هیت ها که موجودیسیه با ساداران همچنان دیگر اجزاء این سیستم چون با رستگینی سر دوش توده ها سنگینی نموده و زندگیسی بحران زده تان را طاقت فرما تر میاز دودیا بیای رستلاطم میاز انی توده ها در متن این بحسوران ضرورت دگرگونی و نهادن این جز بهمه کل سیستم و خود بخود مبارزه علیه هیت ها که هر روز و زوشت تر ایشان مطرح میشود چنانکه امروز در جات بالایی چنین شده است.

دارند و بنظر میرسد این چنین میسر در عمق بحران مدفون شوند. مجموعه این شرایط که با و شتاب ملطه بحران اقتصادی سیاسی بر جامعه و بر هیت ها که است ایجاد ناراضی توده ها را سرعت بالا برده است ولی ضعف نیروهای مترقی و کمونیستی و گسترش بازگساری واپوروشنیم در بخش هایی از آن مانع از آن شده است که نیروهای انقلابی بتوانند این ناراضی ها را کاملاً عمق و جهت داده و آنرا تهاپو لازم را برای رفع اساسی بحسوران حاکم به توده ها ارائه نموده و وسیع آنرا تفهیم نمایند. چنین خلاصی باعث شده است که به بطور بسی و محدود جریانات وابسته تها در تها و بخشیا مزد در رشت نموده و حتی هزار چندکاهی دست به ماسوهای پراکنده خیابانی بزنند و یکمک تبلیغات را دبیوی ناراضی توده ها را به هواداری از خود جهت دهند. و به کراسی حاکم بر جامعه ما مسووان یکی از اجزاء اصلی سیستم سرمایه داری وابسته که لاشه متغی آن پسر

اما ما نور جدید هیت ها که موج جدید تبلیغی که بر اول معمول میتوان توده ها و برای با مصالح منافع توده ها را انداخته است تصفیه های خاصی که در ادارات و وزارت خانه ها آغاز نموده است میتواند خواست توده ها را تحقق بخشد و اما چنین مدعی میتواند داشته باشد؟ پاسخ به این پرسش را هم در عملکرد هیت ها که طی عمر کوتاه آن وهم در شعوع تصفیه های آن باید جستجو کرد. با به متزلزل هیت ها که موجود پای دوران حاکمیتش بی شک قدرت توهم توده ها بوده است و این قدرت توهم در زمینه فرهنگ توده ها بوسیله ما تورهایی که هرا ز چند گاه یکبار جهت تهییج و فریب توده ها و انحراف مبارزات آنرا که جهت اصلی آن اشهاد سیستم سرمایه داری وابسته حاکم و بنسای کزیر و در روی با هیت ها که است تا مین میشده است با بیسای ریش توهم توده ها که واقعیت بحران حاکم و روبه رشد و عملکرد خدانقلابی و ضد مردمی هیت ها که و مبارزات سیاسی و تبلیغی است آگاهی دهنده نیروهای انقلابی و کمونیست در بطن زندگی متغی توده ها موجب آن شده است و اخیراً در ما ز جمعه و راهما بیسی ۱۵ خرداد بخوبی اشکاف یافت. هیت ها که در ماندگی وی ما یکی خود را هر چه پیشتر در اداره چنین سیستم پیچیده بحران دریا فته و گریزشنا بنده توده ها را از خود هر چه پیشتر احصا کرده است از این روی برای کند کردن یا توقف این روند ما تها در حکومت خدانقلابی دیگر از یکسویا شدیدترین شکسل ممکن توده ها و نیروهای انقلابی را چنانکه واقعیت کردستان و دانه نگاه ها نشان داده و صدها جریان کوچک و بزرگ هر روز در گوشه و کنار میهن ما نشان میدهد و در تهاجم فرا میدهند و از سوی دیگر در متن اعتقادات مادقا نه مذهبی توده ها برای به انحراف کشاندن جهت اصلی مبارزه آنها مبارزه با پدیده های بی نظمی و وینایی ما تها "بی حجابی" یا "فساد اداره" را فر بیگانه مطرح میکنند تا در پوشش آن در درجه نخست نیروهای مخالف و مبارز انقلابی را از ادای سره تها دهای حاکمیت خود دور سازد و از طرف دیگر در جریانات متغی ما وابسته به شاه و بهشت را در ارتش

سرمقاله

طبیقاتی جو سعی در حفظ این سیستم دارد انقلاب اداری آن حیرت فرانس از انواع دیگر انقلابات آن از جمله انقلاب فرهنگی آن نخواهد بود و هر به جدیدی است که هیئت حاکمه برای لایو نانی ۱۸ ماهه خیانت به انقلاب نموده ها بویژه جناح خرد بوزواری سنتی مرفه آن علم کرده است تا علت تمامی نارسا نیاها و کاسی هائی که بوده ها با آن دست بگریبا نند به دستگاه اداری منسحل نمود و در آنجا هم عناصر معیسی را که بی شک عناصر مادی و انقلابی و کمسو نیست لیست مهمی آن را تا منسل خواهند نمود مسئول فلنداد نموده ویر ای چند صیاحی فشار نموده ها را از گره ده خویش کا هت دهد.

هیئت حاکمه مادی که به پای بدار ی اریسمم سرما به داری وای بسته درازا فجمیع ترین جنایات سر کرم است آماج اصلی مبارزه طبقا تی زحمتکشان است زحمتکشان مسا نمیخواهند در شرایط حاکمیت موجود سیاسی جامعه از هیچکدام از مظاهر سرما به داری وای بسته از جمله فساد اداری هائی یا بسلا حاکمیت موجود خود نفوس کسده و بیس برنده این فساد اداری و تا مین کشنده مانع عناصر میس مانده و رژیم سیاسی بوده است میارزه سیستم اداری برای او هیچگاه نمیخواند آن مفهومی را دانستند که برای نموده ها دارد آنان ارایین طریق بحثی از کا رمدان اداری را در محکمه تفتیشی عفا بد خود بحا طره راسی که از مبارزه اوج کیریده نموده ها را در دستفیس خواهند کرد بخشی از نموده ها نوهم رده را که هیئت حاکمه مادی انقلابی مانع هراس از اعتقاد مذمبیان بهر ه میکیرد در مقابل بخش دیگر قسرا ر خواهند داد تا دمی از مبارزه بیس رونده نموده ها که جهت اصلی آن خود هیئت حاکمه است فراغت یابند اما ماهیت دنا انقلابی هیئت حاکمه ریا کاری ها و فریب های هیئت حاکمه طی دوره حکومتان آنچنان برای نموده ها عیان شده است که ایس ما نور حربه ضد خود جریه نیروی جدید بر علیه خود دستگاه حکومتی بدیدل نخواهند دو گام دیگری است که هیئت حاکمه برای افشاء خود برای اتکار ساختن ماهیت مد توده ای خود با نیرو بر میدارد بحسرا ن جاری جامعه و گریز نموده ها از هیئت حاکمه عمیق تر و وسیع تر از آنست که این ناکمیکها بتوانند موقعیت نهاد آلود و سرشتی هیئت حاکمه را نفو بت کنند

و دستگاه عریض و طویل اداری که در اثر بی کفایتی ها و عمل کرده های خائنانه آن طی دوران حاکمیتش شرایط آسرافرا هم نموده است بیا تمعیه برخی عناصر آن متوقع سازد و بعد دسلطفا تی که در این زمینه ها میماند بآب رفته را به جوی بازگر داند علاوه بر این این موج جدید سلطفا تی و ما نور اخیر هیات حاکمه با ربا بکسرتن ابعسا دسار مانی بود و ما نور و ربا تی توهم سان است که علاوه بر میسار زات مشخص سان از تقویت و رشد سازما نهائی متوفی و انقلابی انعکاس یافته است و از اینرست که هیئت حاکمه با بیای جارجنالی کسده برای اصطلاح "اسلامی کسردن" ادارات را دا نداخته است تبلیغات منظم و کسرتده ای بر علیه ما زما نیا مرفی و انقلابی بویژه ما زما ن مجا جدید خلق را دا ندانه و سلا تی دا ردا نبروهای مادی و نموده ای را آماج حمله نموده های توهمسزده قرار دهد و در چنین زمینه ای تهاجم به نیروهای انقلابی از جمله تمعیه سان از ادارات را که ما حال موفق بد اعمال آن شده است تحقق یابد بی شک فساد های درونی هیئت حاکمه که روز بروز آشکار تر و وسیع تر میشود و در سراسر نهاد های هیات حاکمه از نورای انقلاب بیای شیسن بوموج تجلی پیدا کرده است و هنوز هم بیفج جناح خرد بوزواری سنتی مرفه عمل میکند و موج جدید تبلیغی از طرف سران ابر جناح در تمعیه های اخیر تا تکرکذا شنه و انجمن های اسلامی به اندک قدرت بیشتر در نهاد های دولتی تحرک بیشتری از خود نشان خواهند داد اما کلیه این ما نورها و هم این سهره گیری های مرورانه از نماد نموده ها به سیستم بسوسیده سور و کرانیک حاکم سیستمی که هیئت حاکمه تلاش زیادی در احیا سربح آن دانسته است و از تصفاد رحمتکشان با افتار متوسط و مرفه اداره و کلیه سلطفا تی که برای سا کساز ی ادارا انجام میشود میتواند کسره ای از مشکلات نموده ها را با سخکوبان دوفنا رانه منسحل سور و کرانی را اگر کرده بوده ها کا هن دهد؟ بی شک حیر ما دا میکه جامعه و نموده ها در جنگال سیستم سرما به داری وای بسته اسیرند و ما دا میکه حاکمیت سیاسی جامعه بیار ما هیت

ما و امر و وحدت

نهمه در صفحه ۱۰

دقیقا تعیین شده و از نظر تشکیلاتی با پراکندگی خرد کاری و محدودیت در حصارهای تنگ معنوی و گروهی مشخص میشود دیگرگون سازد چرا که رشد عظیم جنبش نموده ها دوران نکو فایی و حیات را بر این فعالیت محدود و خرد کارانه بیایان رسانده و تشدید و تسریع فعالیت مبارزاتی در این قالب های تنگ هم در برابر آن رشد عظیم و تحول کیفی جنبش نموده ای را کاروانیست بدین طریق بنظر ماحل مسئله وحدت جنبش کمونیستی بر بنیاد مارکسیسم - لنینیسم و انطباق خلق آن بر شرایط ایران میبایست که بعنوان مسئله مبرم محوری و گره ای در دستور کار همه م.ل های ایران قرار گیرد.

ما خود این ضرورت را با تمام شد و قدرتی درک نموده و مصمم بودیم بنوبه خود بعنوان یک جز کوچک ارایین جنبش و در جهت یسا سخ گوئی کمونیستی بدین ضرورت با مقدس ولایت فیر نهیدن پوخته گروهی خود و محول به وحدتی مارکسیستی - لنینیستی بر بنیان توافق ایدئولوژیک - سیاسی گام برداریم لذا با قاطعیت از تشبیت این موضع ما حتی به بهای کاستن از فعالیت گروهی مستقل خود و برخورد های فشرده ای را با جدیدین شکل مارکسیست - لنینیستی که در پروسه حرکت گذشته وحدت عمومی ایدئولوژیک - سیاسی را با آنها بطور کلی دریافت نموده بودیم آغاز کردیم

در این زمان کنفرانس وحدت که در حالتی بحرانی بر میسر دو استمرار و موجودیت آن از سوسی عما صرتشکله اش زیر سؤال رفته بود تصمیم گرفت تا آخرین طرحها و نظرات گروهها را در زمینه وحدت در یک مجموعه منتشر کند کلیشه گروهها شکست کننده طرح های خود را برای انتشار خارجی در اختیار کنفرانس نهادند ولی ابتدا تا خبر در چاپ و پسین گرفته شدن باره ای از طرحها از سوی گروههای اراشسه دهنده آن مانع انتشار اریسین مجموعه گردید

مرغیظرا ر تشکلات دوران گذار که مشخص و یژه خود را داشت وجه مشترک بقیه طرح ها که در قالب "معیارهای مبارزه ایدئولوژیک"

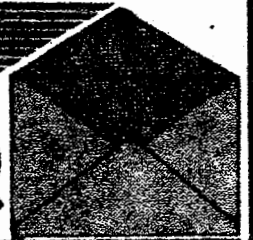
با "مجمع جنبش کمونیستی" تشکیل از نمایندگان حزبها و گروههای مختلف مرغیظرا ر تشکلات گروهی و هر دو به منظور طرح بحث و مسائل و مضامین ایدئولوژیک نشو ریک جنبش کمونیستی و ارا خورایی از نمایندگان ایدئولوژیک - ساسی گروهها برای بر ما مرسری همزمان و هماهنگ مبارزه ایدئولوژیک در سطح حسن ارا نموده بود تمرکز منقسم و بلا واسطه برافس آنگنان سیستمی بود که میخواست کلیه نیروهای جنبش م.ل را در پرا تیک مبارزه ایدئولوژیک مشترکی درگیر کرده و ارایین طرح برغم پراکندگی شدید کمونی غم موجود و بد گروههای پسناری که جداسی تشکلاتی آثار سراسر هیچ مرسدی ایدئولوژیک سیاسی ای میس نیست و بدور حل این تنگنه بحثا به میسار اساسی برای یک مبارزه ایدئولوژیک جدی و منگی بر بر سیک انقلابی و حتی گاه (در برخی طرحها) سلا تی برای حفظ این وضعیت اس مبارزه ایدئولوژیک را برای وحدت جنبش کمونیستی مارمان دهد

کنفرانس تحریه بند ما بر تمام سلا تی خود را برای تحقق بخشیدن به وحدت مجموعه گروههای که در فرایند آشکار و نواف مسروری ایدئولوژیک - سیاسی با خود مصداق سنیم منمرکز نمودم و در خلال این سلا تی برای تسریع و سسر اصولی امروز وحدت برای سسر بف مواضع وحدت بلا عزم و ایسم دی را در زمینه مسائل اساسی انقلاب (مرحله انقلاب) و آماج سراسی هیات حاکمه و ساسیم م.ل همه مبارزات خلق کرد جنبش طبعیسا در انقلاب ایران حسز کارگری سسر کمونیستی سسر فاب سوز و وایی مارکسیسم - لنینیسم سوز و تدوین و تهیه نمودم

ما در تمامی بر جودها سسر هدف بلا واسطه را دسال میکردیم و آن تنطق بخشیدن به وحدت مجموعه تشکلاتی بود که سسر مافطسب چپ جنبش کمونیستی را مافطسب قبطی که ما خود را بطور سلا قیل منطوق به آن میدانستیم

اما آنجا که دامنه حاکمیت ما همونی بدیده و اراده ما سس

پاسخ به نامه ها



انتخابات را رکن سازمان به میزان قابل توجهی به نامهای هواداران و کلا خوانندگان "روزندگان" افزوده، که بخش مهمی از این نامه ها متوجه ارکان میباشد. مطالب نامه ها و توجه به انتقادات و نیز تشویقها بی که در آنها ذکر شده است عامل مهمی در کوششهاست. ت جهت بهبود کیفیت نشریه گردیده است. با توجه به تعداد نامه ها و امکانات محدودی که در دسترس است، تک به تک آنها را در تصمیم گرفتیم تا حتی الامکان به نگاشته که در میان نامه ها عمومیت دارد بپردازیم.

در این شماره به بررسی از نگاشته که در میان نامه های که تا کنون رسیده است برخورد خواهیم کرد و از شماره آینده خواهی بینیم کوششها بطور مشخص تر و سربلندتر به نامه های رسیده پاسخگوی خواهیم بود. تمام خوانندگان "روزندگان" تقاضا میکنیم تا در صورت امکان برای ما نامه بنویسند و انتقادات و نظرات خود را با ما مستقیماً در میان بگذارند.

در نامه های خود اسم مستعار، تاریخ و شهر خود را قید کنید.

عده ای از رفقا نسبت به شماره مقاله "روزندگان شماره ۱۳" (امیرالیم آمریکا...) انتقاد نموده و مسائل مختلف را تذکر شده اند. توجه به این رفقا را به نکات زیر جلب میکنیم:

۱- ضرورت برخورد مشخص به مسئله تنها و امیرالیم آمریکا در واقع ضرورت برخورد به مهمترین مسئله سیاسی مطرح شده در جامعه ایران شرایط زمانی خاص بود. و البته سرمقاله به چنین مسائلی میبایست بپردازد. آن شرایط، واقعاً طبعی و آرزوهای سیاسی آن، غیر از آنکه مسئله را بصورت یک مسئله روز و بسیار مهم در میان توده مردم مطرح ساخت، نبود. جوهرات مختلف سیاسی را نیز به مواضع و عکس العملهای متفاوتی نشان داده بود. از جمله عکس العمل چریکها تا جنب نظامی فدائیان

که آن را بهانه ای برای پیروزی استعداد پرورش یافته در میان خود جهت دست شستن از مبارزه انقلابی طبقاتی میافتنند و نیز عکس العمل "را کارگر گمانا که آن دن کثورت و ارباب طبع شما دفاع از مبین مشغول شد، قابل ذکر است.

۲- در آن مقاله امکان داشت قریب الوقوع، مستقیم و گسترده امیرالیم آمریکا بنا به دلایلی که آورده شده است رد گردیده. برخوردی که در آن وضعیت بفرنج تنها از سوی سازمان به راحت و اطمینان طرح شد و سایر تحولات صحت آن سراسر اثبات نمود.

۳- در پاسخ به هیاهوی چریکها، ناهیات حاکم در مورد جنبشها و ز آمریکا در قالب کودتا بر علیه این بی آن جناح، و نیز در پاسخ تئوریها بی که عملاً به رکود مبارزه انقلابی به ملاحظه افکار امیرالیم آمریکا طرح میکردند، برخورد ما نتیجه است. بهت در حدیک کلی گویی در رد تئوریها و غیر علمی یا تبلیغاتی حساب شده متوقف شود. تنها بررسی عمیقتر، پیش شرط ها و عوارض آنها و احتیاطی لی امیرالیم آمریکا را در این نقطه نظرات را ممکن میسازد.

۴- با توجه به رشد مسائل رزات طبقاتی در جامعه و رشد آگاهی و روحیه ضد امیرالیم نیستی توده ها و نیز تجربه، یکسال و اندی حکومت جمهوری اسلامی با مشخصه بلوک سیاسی بورژوازی لیبرال - خود بورژوازی مرفه نسبی در ایران، تلاش امیرالیم آمریکا متوجه روی کار آمدن هر چه سربلندتر یک حکومت قدرتمند بورژوازی است. در مقاله تمیز شده است که چگونگی بر روی کار آمدن این حکومت از نظر آمریکا عمده و هنوز کمک به تحکیم قدرت بورژوازی لیبرال در بلوک سیاسی است. امیرالیم آمریکا برای حفظ و تأمین منافع خود چاره ای جز تلاش در راه تقویت بورژوازی لیبرال بر زبان نکرده بورژوازی حاکم ندارد. (سرمقاله شماره ۱۳)

۵- سرمقاله بدستی مطرح نموده است که تحکیم قدرت بورژوازی

لیبرال در آن شرایط معین جامعه و موقعیت بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم از طریق کودتا هنوز امکان پذیر نبوده و لذا عملیات ایذایی و تهدیدات مختلف درونی هنوز عمدتاً در خدمت تغییرات سبب قواست. بورژوازی در قدرت سیاسی است، و این همان سیاستی است که از طریق محاصره نسبی اقتصادی و عملیات ایذایی نظامی و ماژورهای سیاسی درونی از سوی امیرالیم لیبرال و معاف و وابسته به آن دنبال شده است. سیاستی که با سیاست بورژوازی حاکم در برکزاری "کنفرانس کدایی افشای جنایات آمریکا" مذکورات با عنوان "بین الملل سوسیالیستی" (کرایسکی، پالنده و فرکا) و نیز به ماژورهای سیاسی درونی بورژوازی برای برقراری حاکمیت دولت و امثالهم وفق داده شده و میشود.

۶- در همین مقاله که شماره ۱۳ و بعد از آن آمده است چشم انداز سرشت مبارزه قدرت در درون بلوک سیاسی از طریق مسالمت آمیز رسیده و تشریح شده است: "آنها سیاست فاطمیت میخوان گفت، اینست که بورژوازی لیبرال در برابر اوضاع پر آشوب کنونی و قدرت برتر خرده بورژوازی سنتی مرفه ناگزیر از دست زدن به قمار قدرت است. امیرالیم نیز این امر را تحریر و تقویت میسازد. و در این صورت در کنار جنگ انقلاب و فساد انقلاب تا حد جنگ درون فدا انقلاب خواهیم بود." (همانجا)

جنگی در درون فدا انقلاب که در یک ماهه اخیر شاهد دیدارهای مقدسات سیاسی آن در قالب برخورد های ضد بد طوفان به یکدیگر بوده ایم. اما با بد توجه داشت که این همه فقط احتیاطی بوده و هست که از بررسی آن نمیتوان چشم پوشید.

۷- فاکتیک کمونیستها در این میان تکیه بر مبارزه انقلابی توده ها است. "کمونیستها پیش و پیش از هر چیز با بد رجعت ایها فدا و احده و متشکل خود نمیتوان تنها بهندگان طبقه کارگر تلاش نمایند. و این مهم را چه بیوز و حدت وجهه و شکل اتحاد و اختلاف جامعه عمل پوشانند. و در چنین حال برای تقویت بلوک انقلابی بر علیه امیرالیم و وابستگان نظام سرمایه داری وابسته به مناسبتی نماید که با دگرگونیهای انقلابی، جبهه مشترک انقلابی بر علیه امیرالیم با لیسم و نظام سرمایه داری وابسته تشکیل دهند." (همانجا)

۸- در شرایطی که جنگ درون فدا انقلاب حاکم از شکل مسالمت آمیز سیاسی در آمده و به هدف آرایشی آشکار و جاسم فخر مقابل هم متجه شود: "کمونیستها و انقلابیون باید بتوانند از اتحاد خرده بورژوازی حاکم با امیرالیم در مبارزه علیه امیرالیم و نظام سرمایه داری وابسته استفاده نموده و حتی در صورت مقتضی و در جهت نابودی نظام سرمایه داری وابسته خرده بورژوازی حاکم را که سهر فدا انقلابی برایشانی خود را در فدا انقلاب خود رکن کنند" همانجا

۹- امکان تحقق این تاکتیک یعنی تبدیل جنگ میان فدا انقلاب به مبارزه برای کسب قدرت سبب توسط پرولتاریا و متحدین آن با استفاده از اتحاد درون اردوی ضد انقلاب، مستلزم نیروی و روشهای مشخص است. مشکل چپ و جبهه انقلاب میباید

نقطه نظراتی که در سرمقاله شماره ۱۳ آمده بگمانه تا کنون محیی است که در برخورد و اطمینت مبارزه طبقاتی و تحولات سیاسی جامعه میبایست مورد نظر جنبش کمونیستی و کلا انقلابی باشد. باید به خاطر داشت: "پیروزی برداشتن نیروی مرفه از خود فقط در صورتی ممکنست که به مشتبه درجه نیروی و یکار بوده شود و از هر شکافی در بین دشمنان هر قدر هم که کوچک باشد و از هر گونه تضاد دفاع بین بورژوازی کشورهای مختلف و بین گروهها و انواع مختلف بورژوازی در داخل هر یک از کشورها و نیز از هر مکانی هر قدر هم که کوچک باشد بزرگای بدست آوردن متفق توده ای، حتی متفق موقت، مرده و نابا دار، غیر قابل اعتماد و مشروط حتماً و با نهالیت دقیق و مواظبت و احتیاط ما خواهد است. (همانجا)

۱۰- این مطلب بطوریکه نسبی هم چونان قتل از صرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا مربوط است و هم به دوران بعد از آن.

(انتین مشتبه آنار، یکجندی ص ۷۵۲) هرگاه ما بخواهیم از صورت کلی گویی و تکرار یک وظیفه کلی و مشترک از یک سرتکونی نظام سرمایه داری و وابسته در آشیمن و تا کنون متشکل مرحله ای خویش را در پیش رویم، نهایتاً منبایست اوضاع سیاسی اجتماعی حاضر و دور نمای آنرا در تقریر گیریم. تنها با چنین شیوه ای است که میتوان با تکیه بر یکدیگر و پیرو بشی در مرحله ۸

بقیه از صفحه ۱
مبارزه خلق کرد، مبارزه برای حقوقی است که این سیستم تشنه با یا بصال کردن آنها میتوانند حیات خود را ادا نموده، مبارزه خلق کرد برای حقوق خود به حیات حاکمه و کلا سیستم موجود ضربات شدیدی میزند. طبیعی است که جنبش انقلابی خلق کرد از این لحاظ اساساً همسو و منطبق بر جنبش عمومی کارگران و توده های زمختش شهروده میباشد. به این دلیل جنگ در کردستان ادا می جنبش انقلابی و جزئی تفکیرک نا پذیر سراز جنبش انقلابی در کل ایران است و در نتیجه همین دلیل جنگ در کردستان محمول تلاش عمومی حیات حاکمه در اینجا دارای سیاسی و سرکوب جنبش انقلابی بطور کلی و با زور داندن نظم مطلوب به سیستم سرما پیداری و استبداد میراثی لایم میباشد.
این جنگ برخلاف ادعای همه دشمنان فریبکار و کارگزاران و زمینکنان ایران، از قبیل حزب توده و برخلاف ادعای عمومی همه اپوزیتونستها جنگ برادر کشی نیست این جنگی است که توده علیه است اختلافات درجه دویا درجه سه، یعنی اختلافات جزئی و بیرونی با همه توده و روشنفکران که ما ما مبتنی بر بر تفاو دمنافع خلق کرده و حیات حاکمه است. در این جنگ نه "برادران" بلکه "ارشد، برادران و جانشینا بر بر بر حیات حاکمه و" خلق کرد " بر بر بر حیات حاکمه و سیاسی خود، با یکدیگر می جنگند. ارتش و برادران در مفهوم طبقاتی نمیتوانند برادران کارگران و زمینکنان شهر و ده در کردستان باشند.
این جنگ به خلق کرد شمعیل شده است. جنگی که حیات حاکمه برای استقرار حاکمیت خویش بر علیه خلق آنرا برافروخت و تا امروز نیز آزار دهنده است. جنگی که در آن، نیروهای معین طبقاتی بر علیه هم صف آرا می کرده اند. بنا بر این با توجه به آنچه که گفتیم جنگ در کردستان، جنبه طبقاتی دارد. و هیات حاکمه در این جنگ در واقع منافع بورژوازی خود را تعقیب میکنند. ملج نیز نمیتواند فارغ از این معنی باشد. ملج نیز جنبه طبقاتی دارد و با منافع طرفین این جنگ ارتباط دارد. برای هر کدام ملج به یک معنی مشخص مفهوم دارد.
دولت جمهوری اسلامی از اولین روزهای پس از قیام ۵۷، با هیولائی پیدار شده، کارگران و زمینکنان سراسر ایران را ورورود، این هیولادر کاخ ها، در و پست ها در کردستان

و ترکمن خرا و غیره... پیدار شده بود و تدریجاً به قدرت حقیقی خود پی میبرد. دولت از همان بدو امر به مشا به دولت طبقات حاکم، اقدام به سرکوب و کشتار در هر جا که اثری از دانه جنبش انقلابی پیدا می شود، زده و کردستان از این لحاظ در دوره اول واقع گردید.
سه دوره جنگ در کردستان (دوره اول در نوروز ۵۷ - دوره دوم در تستان ۵۸ - دوره سوم بهار ۵۹) بخوبی تا کنون حیات حاکمه را (به همراه ما هیتان) بر همگان عیان ساخته است. هرگاه دولت از لحاظ نظامی و توانایی در کنترل موقت اوضاع از طریق ارتش، برادران و سایر مزدوران خود توانا بوده، تن به مذاکرات فرمایشی (همچنان) که جنگ نیز فرمایشی است (میزند). و هرگاه با لحکس بطور موقت از لحاظ نظامی برتری نسبی داشته است، هر نوع مذاکره مغالطه کرده است. آنها گمان میکنند گسسته میشوند پساً هم پس بر تفسیر موقت بر جنبش توده ای فائق آیند. و در جددند که وضعیت خود را تحکیم بخشند، تبلیغ وسیع برای منفرد و بدنام کردن انقلابیون کنند. عرغه بعضی با محتاج اولیه به قیمت اوزان و در عین حال حفظ معا صره اقتصاد کردستان... اینها روش حکومت و رقبا ل خلق کرد در شرایطی هستند که زنده ترین قوای ارتش و برادران سرشهرهای کردستان با سرتیروژ - ۳ نظارت میکنند و در روز در شهرهای درگیر جنگ به خیال نهادهای انقلاب دهها نفر را می افرا بند. هیات حاکمه که تا کنون طعم شکست از خلق کرد را چشیده، و بنا به ما هیت خد خلقی اش چنان بکار اند ترین اقدامات را که تا کنون خلق کرد نموده در حق زمینکنان کردستان به مرحله عمل در آورد است.
هیات حاکمه میکوشد تا با ایجاد شکاف در میان نیروهای سیاسی کردستان بر آنها مستولی شود و جنبش را متوقف سازد و در این کوشش به کمیته مرکزی (س.ج) و حزب دمکرات امید بسته است. بنا بر این در شرایط کنونی اتخاذ شیوه ای انقلابی گراه را برای گسترش مبارزه انقلابی ما فکند و در عین حال سازندگان و خیانتکاران را رسوای خلق کرد و خلق ایران سازد اهمیت میبرد. در چنین شرایطی است که علاقه میدنا خه کردستان (س.ج) انتشار میابد. و کار ۶۳ آنرا بجا میبرد. ندما میخواهیم ببینیم آنها برای

بیشتر (۲) انقلابی جنبش خلق کرد چه شیوه ای پیش گرفته و چه تحلیلی ارائه داده اند.
جنگ: بین برادرها یا بین انقلاب و ضد انقلاب؟
بنا بر این مقدمه وارد بحث میرویم. مون نظرات (س.ج) درباره جنگ کردستان و... شوم. اخیراً شاعیه کردستان سازمان جریکهای فدایی خلق اعلامیه ای منتشر کرده که در "کلر شاعیه" (ارگان اکثریت کمیته مرکزی) چاپ شده است. این اعلامیه آینه تمام نمای موضع جریان اپوزیتونیستی (س.ج) میباشد.
سازمان جریکهای فدایی خلق برای آنکه زمینه را برای استدلال خود یعنی بر اعلام طبع عادلانه و فراهم کند ابتدا به ما هیت جنبش و جنگ در کردستان اشاره میکند. آنها در تحلیل آنچه که در کردستان، میان خلق قهرمان کرد، و دولت جمهوری اسلامی در جریان است چنین اظهار نظر میکنند:
"مشاهده میکنیم جنگ برادر کشی در کردستان عرجه بیشتر گسترش میباشد." کار ۶۳
"میکوشد در جنبش حق طلبانه" خلق مارکس و لنین آتش جنگ برادر کشی در منطقه را همچنان برافروخته نگاه دارد." کار ۶۳
بدین ترتیب (س.ج) حرف خود را در مورد کردستان میزند: **جنگ برادر کشی!**
در کردستان جنگ میان هیات حاکمه و خلق کرد جریان دارد. هیات حاکمه ای که از منافع بورژوازی خود دفاع میکند و خلق کردی که راه انقلاب را در پیش گرفته و جنبش انقلابی ۵۷ - ۱۳۵۶ را تسدایم میفشد. این جنگ در ما هیت خود جنگ خلق کرد و حکومت مرکزی است. یعنی هیات حاکمه جمهوری اسلامی. جنگ کردستان ادامه منطقی جنبش انقلابی ۵۷ - ۵۶ است زیرا خلقی یکطرف درگیر در آنست که خواسته های انقلابی خود را از بر سر پا طرح کرده و در راه آنها مبارزه نموده است. قیام ۵۷ نه تنها به آنها جواب مثبت نداد، که خدا انقلاب جدیدی را بر فراز سر آنها به کشتار و سرکوبش زود داشت. هیات حاکمه انقلاب را خفه کرده و خلق کرد تنفس عمیق آنرا در سراسر کردستان زنده نگاه داشت. خلق کرد انقلاب را دنبال کرد، و یکسوز از پای نشست. به همین جهت هیات

حاکمه جدید نیز بدون لحظه ای تردد ارتش و برادران و سراجام همه ما و اکثرا جانشینا و... را میسند. کتا نه تنها از توسعه جنبش و مبارزه ایان زمینکنان کردستان جلوگیری کند، فرماندهان ارتش و پاسداران مستقیماً از حکومت دستور بگیرند و پاسداران و سربازان تیر بیا فدهای فرماندهان را اجرا میکنند. در قوه قهریه، در ارتش و پاسداران و هیبر است که اهمیت دارد و ترکم طبقاتی سربازان و پاسداران که اکثر آنرا زمینکنان بر خاسته اند. بنا بر این مبارزه ای که در کردستان جریان دارد جنگ میان برادران، نه جنگ برادر کشی. جنگ ما هیت طبقاتی دارد. جنگ بر اساس منافع طبقاتی که در آن محور دارد توضیح داده میشود. و جنگ کردستان نیز جنگ خلق کرد بر علیه هیات حاکمه بورژوازی، محافظان نظم سرما است. آیا سربازان و پاسداران، فرماندهان ارتش، قری ما، فلاح ها، جلادهای جاش و غیره، آنها برادران خلق کردند. آیا دهان فکس کرد و زمینکنان سندی که در زمین برادرانهای جمهوری اسلامی میبرد، سینه فرزندانش با سربازان و برادران مزدور و تده شکافه میشود. با این سربازان و پاسداران برادر است؟ آیا خلق کرد و ارتش و پاسداران، خلق کرد و هیات حاکمه برادر است؟ آیا هیات حاکمه وسیله ارکانها بنرا است؟ برادران خوشی خلق کرد؟ آیان رایو خاک و خون نشانداده است؟ این تمام برادران هستند که در کردستان می جنگند؟ آسان شما حرفهایی را که از اول جنگ بنا کار می کنید و بعد بروی خود نام را رنگیت میگذارید: این کدام مارکسیسم است که سنی عدو و برادران فلاحی و قری را برادر زمینکنان کرد می نامد؟ جنگ طبقاتی جنگ میان دهقانان و زمینکنان کرد و دولت را جنگ برادر کشی بر آورد میکند؟ کدام؟ ما ر کمیم به ما می آورد که جنگ را در رابطه با منافع طبقاتی و نظامی طبقاتی توضیح دهیم. نه با عبارات کلی برادر کشی و جریای مشابه!
اما چرا اکثریت س.ج. با دقیقتر کمیته مرکزی اپوزیتونیست (س.ج) این جنگ را جنگ برادر کشی می نامد؟ اجازه دهید به جیسود "س.ج" رجوع کنیم. "س.ج" معتقد است که جنگ کردستان را دودسته می

فل و عوام مل بوجود آورده اند. این محافل و عوام مسل درون هیات حاکمه (و ج به کار ۹۹، کار ۳۳ و... بسانیه) و عوام ملی در گردستان، خاصیت مشترک دوعا مسل اصلی جنگ، نیز از لحاظ سیستم "س.ج." عبارتست از خصمه جنگ افروزی! "در هر دوعا مل دقت کنید: ... جنگ برادر کشی در گردستان هر چه بیشتر گسترش میابد، و عوام ملی از هر دو طرف تلاش میکنند هر گونه اقدام ملی طلبانه را بیا شکست مواه سازد." کار ۶۲

"... عوام مل و نیروهای جنگ افروزی در منطقه راه مردم گردستان و سراسر ایران معرفی نموده و آنها را ... کار ۶۳

سرانجام "س.ج." وقتی ماهیت جنگ را "برادر کشانه" یعنی قیام طبقاتی ارزیابی میکند، علت آنرا نیز با بدرد چیزی ما و را طبقات و تضادهای عینی جامعه ببیند.

"س.ج." با وقاحت همه اپوزیتونیستها را نگ بر میدارد! این محافل هیات حاکمه و عوام مل محلی گرد با عت جنگند! چرا؟ زیرا جنگ افروزی؟ چرا؟ زیرا محافل و عوام مل جنگ افروزی؟ "س.ج." ذره ای و کلمه ای درباره ماهیت جناحهای اصلی جنگ بر زبان نمیآورد. ما میدانیم که در واقع عمق بحران اقتصادی و سیاسی موجود هیات حاکمه را، که اساساً ماهیت بورژوازی دارد، به رودرویی با خلق کشانده است. بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم، هر یک به زبان خود و غیر و غش و کشاکش و سرکوب را اعلام کرده، و برای حفظ عملکرد سیستم و نجات از بحران عمیق کنونی، باره را در اینجا و آنجا و سرکوب جنبش میسند. آنها بنا به مسامحه خود، جنگ روی آورده اند و جنگ کنونی، جنگی که خلق کرد فقط و فقط جهت تامین خواسته های خود و ادامه انقلاب به آن وارد شده است. راه خلق کرد تمهیل کرده اند. صرف نظر از اینکه چد کسی اولین گلوله را شلیک کرده است، علت اصلی این جنگ، به در جنگ افروزی (آنها) از ناحیه عوام ملی در میان خلق کرد! بلکه سیر از هر چیز در تضاد و منافع میان خلق ایران، و خلقها و توده های رنجمکن ایران، و خلقها نخستین سیستم کنونی و با هیات

حاکمه حافظ آن نهفته است. "جنگ افروزی" نه تنها مفهومی مارکسیستی نیست بلکه مفهومی دقیقاً ضد مارکسمی است! ما باید نشان دهیم کدام طبقه، کدام سیاست، آنکه کدام خطت محفلها، "جنگ گردستان از نده عه خلق کرد و ولایت و از ناحیه دولت غیر عا دلانه میباشند این جنگی است که به خاطر بامردی، شجاعت و توان انقلابی و همتکشان گردستان در اداه جنبش بر آنان تحمیل شده است. هیات حاکمه "جنگ افروزیست بلکه به خاطر ایدآر ماش، ایجاد شرایط مسا عد برای حفظ سیستم و غلبه بر جنبش به جنگ دست میزند. جنگ افروزی حکومت (و نه محافل) نتیجه منافع آنها و تضادهایشان با خلق کرد میآید.

ما به خوبی میدانیم که همه اپوزیتونیستها، با تنفیض از جنگ انقلابی با هم میگردند، ریشه های حقیقی آنرا پنهان میگردانند و به توده ها میگویند: محافلی از هیات حاکمه و محافلی از میان خود شما توده ها (یعنی بلشویکها!) خواهان جنگند! آنها جنگ افروزیست! آنها بوسیله جنگ برای ماموریت میآورند! همین حرفها را مدت ها است حزب توده میزند! آنها نیز خواهان جلوگیری از جنگ هستند و جنگ را نتیجه گرایشات جنگ افروزان می دانند!

این نحوه تحلیل هیات نظور کرد در معات بعد نیز نشان خواهیم داد. بگره بر مارکسیسم خط بطلان میگذرد! ما سؤال میکنیم: پس چرا "س.ج." به این جنگ برادر کشانه تن در داد؟ عوام مل جنگ افروزی در اینجا رسالته درست پس اقام چد کسان بودند؟ چرا "س.ج." امروز بفرافشی آنها میافتد؟ چرا "س.ج." مثل زبون تر بین انترناسیونالیست های دوم! از توضیح ماهیت جنگ طفره میبرد؟ مگر خود شما نمیدانید که به خاطر حرکت خلق کرد به خاطر عینیت مبارزه و به خاطر شتم و فساد پیش از حدی که به خلق کرد از هر نظر و از هر دمی آموارد این جنگ شدید؟ امروز، طبیعتی است بیا پیچیده شدن مبارزه های خود را عقب بکشید و ناگهان با عدا رانی را که همین هفته قبل دوش از عفا ای "س.ج." را در سنج به شهادت رسانده برادر خود میخوانید: "ای خلق کرد! شما در اختیار بودید! اینسان جانشان این جلادان! این رشتیان

و این پاداران! این خلقانی ها... و علی الخصوص این جاشها برادر شما هستند. آنه دولت و نه تنها با هم تضادی ندارید! پاره ای عوام مل یعنی شما را بجان هم انداخته اند! اگر این حرف را در گردستان در پیشگاه خلق کرد بر زبان برانید میدانید تا شما چه خواهد کرد؟

ایا با این وجود "س.ج." و علی الخصوص شاخه گردستان آنها را و رسم اپوزیتونیسم را بطوری فساد گرفته اند: آنها ناگهان همه زمینهای "ایجاد جنگ را، جنگ برادر کشانه را در چیر سومی پیدا میکنند.

"جای هیچگونه شک و تردیدی وجود ندارد که وجود این نیروها (یعنی عوام مل بیعت شاه و امیرها - لیس آمریکا) ... مانعی جدی در راه تحقق ملی بوده و تنها زبالت شوم آنها در منطقه ایجاد جنگ برادر کشی است... همانجا، کار ۳۳ ص ۱۲

"س.ج." که ابتدا ماهیت و بعد علت جنگ را در گردستان بطوری غیر مارکسیستی ارزیابی میکند حالا برای اثبات حرف خود دست به استدلال روی تحریکات عوام مل شایع ب سمت عراق و امیر لیس آمریکا میزند، و آنان را "ایجاد کننده" زمینه جنگ برادر کشی مینامد. صرف نظر از اینکه پدیده اخبار الفکسر یعنی رشد عوام مل و انقلابی مذکور متعلق به همین اواخر کار است و اساساً در ایجاد زمینه جنگ در گردستان نقش آنان قابل توجه نموده، با زعم این مسئله میماند که چه چیزی باعث رشد این عوام مل شده است: به جز هیات حاکمه؟ مگر گولها اعلام نگرد بود، که حاضرات علیه تجا و عسراقی مقاومت کنند و مگر همین گولها سیاه روزگاری را خلق نکرده است؟ مگر خلق کرد نشود! آنها و مزدوران زما شاه را مورد شدیدترین حملات فساد قرار داده اند. عدم رشد آگاهی توده ها در بخشی نواحی و بهره برداری از احساسات قبیله ای توسط عوام مل مزدور و ضد انقلاب سابق نمیتواند به این حقیقت که چد کسان آنها را بر و بال دادند و چد کسان زمینهای جنگ را فراهم کردند و چگونه سربوش بگذارند! انقلابیون و خلق کردند تنها با حکومت فدا انقلابی کنونی که با عدا انقلاب سابق نیز با هم مبارزه کنند و پادشاه و ااساسی نابود و آن عوام مل (که نه فقط در گردستان که

در همه نواحی ایران با آنکشات سیاسی و اقتصادی و حقوقی (مثلاً قتل) که حکومت در اختیار آنها قرار داده مشغول توطئه اند. عبا و عت از جنبش توده ها و تقویت جنبش انقلابی

اما تا این حال یک مسئله به میماند که تا به به آن پاسخ داد: چرا "س.ج." به چنین تحلیلی روی آورده است؟ و روح اساسی این تحلیل چیست؟

وقتی "س.ج." جنگ گردستان را برادر کشانه ارزیابی میکند، آنرا به معنی آنست که "جنگی درون خلقی" است. مبارزه ای در میان نیروهای انقلابی که به هر زبطن نیروهای انقلاب منجر خواهد شد. و به معنی انقلاب یعنی "امیر لیس آمریکا" فرمت میدهد که در ایران "انقلاب" را نتیجه و محصول آنرا خصمیت کند. زیرا جنگ میان دولت و خلق گرد است. و این هر دو از لحاظ بنوری "س.ج." نیروهای انقلابی و جز خلقند. هیات حاکمه به طبقاتی که بر علیه آن مبارزه میکنند، خلق ایران "س.ج." نوسان و تزلزل خود را در همین ماهیت حکومت به عا لسی ترین شکل در اینجا نمایش میکند. ارد. از این فرافشی نتیجه میآید: پس نه هیات حاکمه و نه خلق کرد نمیتوانند عا مل اصلی و علت پدید آمدن این جنگ تعهیل شده به خلق کرد را توضیح دهند. این در حقیقت محافل و عوام مل هستند از دو طرف و در دو طرف که موجب این جنگند و باعث درگیریهای درون خلق شده اند.

در واقع مبارزه خلق کرد، انحراف در جنبش انقلابی از نظر "س.ج." میباشد. چرا که مبارزه ای درون خلق است. سرکوب و کشاکش حکومت هم انحرافی در مبارزه انقلابی نیست زیرا مبارزه ای درون خلق میباشد. آنها به ما جواب نمیدهند که برانجام کدام مبارز مارکسیستی و عینی و طیفه ادوا - قعیات جاری را توضیح دهد. آنها سعی میکنند ترس و تزلزل خود از مبارزه انقلابی را شور و زخم باشد و سنام شوری مارکسیستی به خود جنبش بدهند. آنها بر مبارزه بکمال و نیم اخیر خلق کرد سوار انحراف و مبارزه درون خلقی میزنند و از آنها میخواهند که درگ کنند مبارزه آنها بقیه در صفحه ۸

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

بقیه از صفحه ۲
پذیرفت و در فرا سوی آن - با امدادی
مقاومتی مواجه بودیم که از دیدگاه
های دیگر نسبت به موقعیت
جنبش کمونیستی، ضروریات و الزامات آن، جایگاه وحدت و.....
نشأت میگرفت.

در این شرایط، با پایان یک دوره
تعیین کننده از مبارزه ایدئولوژیک
در درون "روزندگان آزادی
طبقه کارگر" و سرآوردن گسروار
نشیب این دوره که ما آنرا در چهره
شودن رویا لیدن تشکیلاتی در بافت
شودیم که با انتشار نخستین شماره
های نشریه اش مواضع را بیگانه
و در جنبش ل نمایندگی میکرد
و با قاطعیت و جسارت به جلو گسار
پرسیداشت. افق تازه ای را در پیش
روی تلاش های ما برای وحدت گسترده
در بافت اولیه ما از مجموعه
مواضع "روزندگان آزادی طبقه
کارگر" از قرابت و توافق ایدئولوژیک
یک - سیاسی، حکایت میکرد. بسو
این اساس با تلاش مستمر برای حل
مسئله وحدت در میان مجموعه نیرو
های قلب را در یک جریان ج - بر
خورد ما با "روزندگان آزادی طبقه
کارگر" شروع شد.

با توجه به ایده ای که ما از این
برخوردها دنبال میکردیم، شکل
عمل مناسب آن بود که از وحدت
از کانال برخورد مشترک و چند جانبه
همه این نیروها دنبال شود و پس
بدلائل مختلف متجمله وجود اختلاف
نظردرنگ عمل مناسب و نیز کمبود
و با افتد از زمینه شناخت قبلی
میان عناصر متشکله این مجموعه
برای در پیش گذاشتن چنین هدف
مشترکی، این امر از آغاز ناممکن
گشته و برخوردهای ما هر چند هم جهت
اما در بر تری های جداگانه و هم عرض
شروع و ادامه یافته بود.

برخوردها "روزندگان آزادی
طبقه کارگر" بدلیل درک مشترک از
ضرورت و جایگاه وحدت بدلیل
اعتقاد به ضرورت وحدت فوری میان
آن شکل های مارکسیست - لنینیستی
که هیچگونه مرز بندی های ایدئولوژیک
یک - سیاسی با عدم شناسایی
و اینها مات اساسی و اصولی، افتراق
تشکیلاتی آنها را توجیه نمیکند و
بدلیل قاطعیت مشترک در تحقیق
نخستین به این مهم، سرعت به
محور اصلی تلاش های ما تبدیل
شد.

این واقعیت نیز که "مازمنان
روزندگان آزادی طبقه کارگر" این
زمان اجزا قابل ملاحظه ای از یک

تشکیلات سراسری کمونیستی را در خود
فراهم آورده بود، بنوبه خود و بسو
ان یک عامل ثانوی، انجام وحدت
را در این رابطه از انجام وحدت در هر
رابطه دیگری که گونه ای مشابه
توافق ایدئولوژیک - سیاسی
فوری وجود میداشت، وزن ضرورت
و فوریت بیشتری میبخشد. چرا که
وحدت در این رابطه، شکل سریع تر
نیروهای این قطب ایدئولوژیک
سیاسی را به همراه میآورد. حال آنکه
انجام وحدت در روابط دیگر گرانش
به ایجاد قطب تشکیلاتی مشابهی
را در دل این مجموعه نیروها دامن
میزند که حل مسائل تشکیلاتی میان
آن با "مازمنان روزندگان آزادی
طبقه کارگر" بودیزمانی نه چندان
قابل چشم پوشی، محتاج میشود و
طبقه کارگر و نیروی توفیق در امر تشکیل
کل نیروهای این قطب ایدئولوژیک
یک - سیاسی و استمرار تشکلات در آن
را بدستمال میآورد.

در راه تحقق بخشیدن به یک
وحدت اصولی، ما آن موارد اساسی
را که عرصه های مختلف فعالیت سیاسی
را در نظر و خود میگرد و توافق
لق بر سر آن ضروری بود، مشخص
کردیم و پس از روشن شدن توافق
موجود در این زمینه ها و مشخص
کردن این توافق در اساسی
داخلی و نیز توافق بر حداقلی از
ضوابط تشکیلاتی که بتواند در حیطه
نظارت خویش، ایگان مبارزه ایدئولوژیک
لوزیکال را تضمین کند، با آ -
دگی حداکثر برای ترش و انعطاف
پذیری در دیگر موارد غیر اساسی،
فرعی و ثانوی، از وحدت را سرعت
بی گرفتیم و سرانجام با اعتقاد
به ضرورت مبرم و فوری مبارزه جدی
و فشرده برای وحدت کل جنبش کمو -
نیستی، با اعتقاد به ضرورت فوری
وحدت کلیه مارکسیست - لنینیستها
بی که امروز هیچگونه اختلافات
اساسی و اصولی توجیه گرد جدایی
تشکیلاتی آنان نیست و از آن جمله
با اعتقاد به ضرورت فوری وحدت در
میان نیروهای متشکله - قطب چپ
جریان ج، تا تحقق وحدت کامل با
"مازمنان روزندگان آزادی طبقه
کارگر" پیش رفتیم و از این پس
مبارزه خود را بسوی این هدف بسر
بسر تشکیلاتی جدید خویش، استمرار
خواهیم بخشید.

با این وحدت را کامی بدین
در جهت وحدت کل جنبش کمونیستی
دانسته و در آن شتاب بخشیدن به
کام های بعدی را بسوی این هدف
میجوئیم. ما در این فرجام وحدت،

آغاز تلاش وسیع تر، فشرده تر و
همه جانبه تر برای وحدت جنبش
کمونیستی دیده برای پاسخ گویی
به نیازهای امروز و فردا و
انقلاب، خود را به پیشرو این آغاز،
ملزم و متعهد میبینیم.

و در اینجا بجاست این
تکته را توضیح دهیم که طرحی که ما
در مقاله "در راه وحدت آراشیه
داده بودیم نه فقط این حرکات ما
را به سمت وحدت تبیین نمیکرد بلکه
حاروی انحراف متغی از آن نیز
بود. ما در آنجا از وحدت نیروهای
هنگر را چنین توضیح داده بودیم
که:
"و با لایحه مسئله دیگری که باید
در این بحث دنبال کرد، این است
که آن گروه های هنگری که هیچگونه
تفاوت نظرات با عدم شناسایی
و اینها مات اصولی جدایی تشکیلات
نی آنها را توضیح نمیدهد و از توافق
لازم در زمینه های اصولی برخوردار
ند با اختلاف آنها بعدی اندک است
که چشم انداز حل آنها روشن و نزدیک
میتواند باشد و با در یک تشکیلات
بیادگی قابل جمع است، مسئله
وحدت را به یکدیگر کرده و بگویند تا
با حصول وحدتی هر چه سریعتر میان
خود، به ظرفیت و نیروی کل جنبش
م. ل. افزوده و به حرکت آن تشکیلات
داده باشند، اینگونه وحدت نهایی
قسمتی میتواند دقیقاً در حد وحدت
وحدت عمومی کل جنبش م. ل. در خدمت
مت ترسیم روند فعلی آن بسوی
وحدت باشد. روشن است که این جا -
یگاه آماری اساسی و ضروری نیست
بلکه جایگاه یک امر جانبی و فرعی
است حتی در کوتاه مدت و بطور تمام
کتنگی حال آنکه باید هر ایست
میبود."

مقاله از وحدت یافتن کل جنبش
کمونیستی حزب روزه و بر ساز زمینه
دادن مبارزه ایدئولوژیک در میان
کل آنان برای حصول به این منظور
متحرک شده است ولی به این واقعیت
که ما با وجود گروه های بیمناسبتی
روبرو بودیم که مرز بندی سیاسی
سیاسی - ایدئولوژیک موجودیت
مستقل همه آنها را توضیح نمیداد
و هر چه چه از آنها یک جریان را
میتوانستند و با این پراکنگی نسبه
قدرت مبارزه ایدئولوژیک برای
تثبیت مواضع خود و نه شرکت فعال
در مبارزات انقلابی نبوده ها را داد -
رند، توجیه نگردانست. در نتیجه بسر
ضرورت وحدت یافتن نیروهای
هنگر را با غن و تقویت قطب ایدئولوژیک
تشکیلاتی خود بینوا ن

اتحاد مبارزه در راه آزادی
طبقه کارگر
۶۹/۲/۱
برای ارشاد به هر چه مبارزه
ایدئولوژیک
بر فراز اتحادت جنبش
کمونیستی

کام فوری، ضروری و اساسی در راه
وحدت کل جنبش کمونیستی، و وحشی
در راه انجام یک مبارزه ایدئولوژیک
یک همه جانبه و خلاق و بر مبنای شرکت
در پراشیک جنبش انقلابی. نه ها
تکیه نگردانست و برای آن برنامه -
ای ارائه ننموده است. کاری که ما
بعداً با برخورد با این نیروها و
تهدیه پلانفرم های مختلف سرور
دادیم.

در نتیجه اگر مبارزه ایدئولوژیک
یک مورد نظر در متن این پراکنندگی
بتواند صورت وقوع هم بگیرد،
تنها با بازداشتن عمده این نیروها
از شرکت در پراشیک جنبش نبوده ای
میسرخواهد بود که نتایجاً مبارزه ایدئولوژیک
شولوزیک را از محتوای
کمونیست ها را از مسائل انقلاب دو ر
نگه میدارد.

در مقاله مزبور تمام تمرکز
بر روی یافتن راه حل و سیستمی بر -
ایحل مواضع ایدئولوژیک - سیاسی
موجود در سطح کل جنبش و تحقق وحدت
ت کل آن، بوده و در این راه امریکا -
بهای ضروری و فوری که موضوع
کنونی جنبش م. ل. میطلبد و ضرورت
تدارک ایدئولوژیک - سیاسی و
تشکیلاتی برای انجام یک مبارزه
ایدئولوژیک جدی بین جریانهای
م. ل. و نتیجتاً تا مبن وحدت آن
میباشد، بهره افتاده است.

تصحیح و پوزش:

در شماره روزمندان شماره ۱۸
ع. اشیا و نظا هر کشته گان را خرداد
چاپ شده بود که صحیح آن
تفرات است.

در نوشته ای تحت عنوان "جرا
راه کارگر درونی میگوید" برانسر
اشیا و تایی کلمه "حقا نیست"
"غیانت" تایپ شده بود که بدین
وسيله اصلاح میشود.

در مقاله اطلاعات ارضی (۱)
روزندگان شماره ۱۸، محسنته
چون چهارم، بجای هدف، رقم ۸
تایپ شده است که درست نیست.

رفقا و هواداران!

اکنون مدتی است که ارتجاع حاکم به طور همه جانبه یورش خود را بر علیه نهادهای دموکراتیک و سازمان های انقلابی سوزده کمونیستها آغاز نموده است. این یورش که هر روز کام های شایان خود را برای استقرار "نظم و امنیت" در جهت تثبیت نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم به پیش می برد. همان دهنده هراس ارتجاع از ونداج پاینده مبارزات طبقاتی رجمکنان را بکطرف و پیوند سوزدیکی روز افزون نیروهای (م. ل.) با طبقه کارگر و سایر رجمکنان از طرف دیگر است.

در این مدت ارتجاع کوشش نموده با غیرقانونی کردن تشریفات انقلابی، با لاک و مهر کردن چاپ خانه ها، با زندانی نمودن کارگران و صاحبان چاپخانه ها، با تصویب ۳ ساعت ماه زندان برای فرستندگان و بیخ کنندگان تشریفات کمونیستی با آتش زدن، ویران نمودن دهکده های کتا سفرونی و با لاجرم با وجود آوردن سیاست رعب و وحشت از طریق کمیته جی ها و جماعت داران وابسته به خود در مناطق رجمکن نشین و تعطیل دهنگاه ها فروش و بیخ کن تشریفات کمونیستی از جمله تشریفات سازمان و با مشکلات بسیاری و بربور سازد.

بنابر این:

دو این شرایطی که چاپ تشریفات و بیخ کن آنها با متعصبان زیادی روبرو شده است، رفقای سازمان مؤلف اندک امکانات تکثیر موجود در میان هواداران و معما آنها، تشریفات سازمان و وسایل حداقل مقالاتی از تراکتور و بیخ کن نموده و از ایده های از آنرا در مناطق پرتجمع و محلات رجمکن نشین بسجاسند.

با تشکیل همه های بیخ کن مشکل از هواداران و معماها سازمان، فروش و بیخ کن تشریفات و دروس سمنترین، سیمترین و منظم ترین فرم خود در محلات کارگری و در میان هواداران حسیر کمو - سیتی سازماندهی نمایند.

با توجه به تشدید مبارزه با دولوپیک در درون حسیر کمونیستی و نقش ویژه ارگان رزمندگان در خدمت بدن مفسور، لازم است که رفقا بطور منظم و پیگیر ارگان وابسته معما ها و هواداران حریان های دیگر به روشی که ممکن است برسانند.

با توجه به فروز و بیخ کن تدریجی توهم "گاو گران" و رجمکنان از سیاست ویرانه های هیات حاکمه فدا انقلابی و تشنه مبارزه طبقاتی آنها، رفقا میبایستی تشریفات و رجمکنان را تکثیر و اعلامیه های سازمان را در وسیعترین تیراژ در مناطق رجمکن نشین بیخ کن نمایند.

رفقا با یستی ضمن جمعی از چگونگی یختر ادها و ابتکارا ت جدید در مورد بیخ کن تشریفات و اعلامیه را از ما پیش شما بسند. از جمله برقرار کردن دستفرونی های سیار و... را از ما پیش شما بسند.

برخورد شده است - تعدادی از نامه ها در مورد موضع تشریفات در بر خورد و بر و لاریا به دهقانان مسائلی را طرح کردند که پاسخ آنها در مقالات "تلاشات ارضی و جمهوری اسلامی" داده شده است. رفیق بهرام نیز میخواست پاسخ خود را با مطالعه این مقالات دریافت نماید. - آنها ماتی در مورد واز - "مناسبات سرمایه داری وابسته" که در شماره ۱۱ طرح شده بود بدست ما رسیده است (از جمله نامد رفیق م - ر) (مناسبات سرمایه داری وابسته همان مناسبات سرمایه داری است اما شکل خاص وابستگی سرمایه داری ایران به سرمایه جهانی و متخما طرح مناسبات سرمایه داری وابسته بمعنای تفریق کفستی در قانومندی عمومی سرمایه داری و مناسبات سرمایه داری نمیشناسد با این وجود برای جلوگیری از ایجاد ابهام ما از یکبار بردن این واژه خودداری میکنیم. - در برخی از نامه ها ستوالاتی در مورد با به طبقه نسی سنی صدور و ایطافان با بورژوازی لیبرال و اینکه آیا سنی صدور و محفل وابسته بآن جریانی یا جاسی را در حکومت تشکیل میدهد یا نه. اگر چه بنی صدور و از برای ما باندکسی نمیکند ما او را دوست داریم و سرت کیمایی دارند که از ما بر ما باندگان بورژوازی حاکم متما بر میزنند و ما این ویژگی ها را در یک مقاله جدا گانه بررسی خواهیم کرد.

سرگوب را احترا آنها و با خاظر متعصبان مفهوم این مبارزات و تحرا فداها مخدوش میکنند و منعم میبازد. "س. ج" که غرق در یوپولیس و تکرش تمام خلای به جاسی است اس را بران میکند و در هر کس تفادهای جوی سا امپریالیسم دارد با اینکه ادعای چنین تفادی را دارد. در صف طبقی قرار دارد، علی الخصوص اینکه "دولت وابسته" نیست و این معما مناسبی است تا در بر توان مفهوم خلق را از هیات حاکمه برگرد. هیات حاکمه در مبارزه طبقاتی جاری و در سیمین بود چو فدا انقلابی و جد خلای بودن خود را نشان داده است و "س. ج" بدین حال معما را های نویی مکرده تا آنرا منزله فیدوسر هاند. برای اینکه ر "س. ج" راهی جز ایطال مارکسیسم شعی کردن همه آموزشهای انقلابی مارکس، انگلس، لنین ندارد. و اینکه در این تفریق است. اینست همه، حرف "س. ج". جنگ نه طبقاتی، و بسته به ما هیات دولت بلکه مرسوم به محافل جنگ افروزی است. انگلیس جنگ و علت آن برانجام جنگ افروزی است. چنین است معما که یک مارکسیست در باره مبارزه طبقا تی جاسی با نقطه پایان هر تفرقه و شکوری مارکسیسم از انداناکون.

نیمه از صفحه ۴
نیتی و ایور شو تکثیر و کومد مبارزه به نهاده، فخر امپریالیسم (س. ج) و سا کیک "افتا" و مقاومت "س. ج" نهاده دفاع از میهن مقابل کنیم. - نامه های متعصبی از رفیقی از کرج، رفیق م، رفیق کار - کراز کارخانه کیم و... حاوی اشتقاقاتی است به عدم وضوح بر - غی از جملات و سبک نگارش بدست ما رسیده است که مورد توجه است قرار گرفت. اگر چه مقالات تشریفات و تحلیلی ارگان لزوم استفاده از بیان فشرده و سنجیده سراز معما سول را اجتناب نایز میبکند، اما معما استفاده از رفقا بیجا است و ما آنرا با خاظر خواهیم داشت. - تعدادی نامه ها که موضوع آن به شماره های اول تشریفات بر میگردد اگر چه پاسخ منجمی دریافت نکرد. ده اندام همه آنها مورد توجه است. قرار گرفته و از این جمله اندامه - های رفقای گیلان، رفقای هواداران تشریفات... که در مقالات تشریفات اکثر مسائل مورد نظر آنها مورد بحث قرار گرفته است. - رفیق "اس" در مورد طرح مسئله نایوی "کل طبقه بورژوازی" در مقاله "به شعار راه کار کسر" تذکراتی داده است که در شماره ۷ تشریفات این مسئله و اشتقاقی که به آن مقاله وارد نموده بود را خسته شده است. هم چنین یکی از هواداران ارتش بر زرد مورد وابسته بودن سرمایه در ایران ستوالاتی طرح نموده است که با خاظر این مقاله به آنها

نیمه از صفحه ۶
حول شعارا سانی نموده و ناگزیر سحر احرافی است. آنها اساسی ترین آموزش لنین در مورد جنگ را در طاب - فحدا میگذارند که قیلا سا بر اصول مارکسیسم را در آن نهاده اند لنین میگوید: جنگ های داخلی نیز جنگ است کسی که مبارزه طبقاتی را قبول دارد سیمین است و جنگ های داخلی را که در هر جامعه طبقاتی به معما داده و نکا مل و تشدید طبقاتی و در موارد معما اجتناب نایز مبارزه طبقاتی است. سول نداخته باشد. لنین، برنامه جنگی انقلاب بر و لاریایی - تا کید از ما است. کیمکه این اصل اساسی را یکبار مسدود و جنگ را با عیارات عوامفرس با نه و کلی و میهم توصیف میکند، جد سیمین ای جز کتا رنهان "مبارزه طبقات" و سنی آن شرایطی که به درگیری قهرامیز منجر شده است، میگوید. این تمایل که مبارزه طبقاتی را در بر عیارات "برادر گشتی" جنگ افروزی و... بهمان سمانند، سیمین هر چیز بود بورژوازی است. زیرا این بورژوازی و خرده بورژوازی هر آنان میباید که ما هیات طبقا تی مبارزات جاری نموده و با خاظر

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم!

خلق و ضد خلق

بقیه از صفحه ۱۱

نظام بورژوازی با زیردستی و توانایی حیرات انگیز و البته خودبخودی روابط خود را در قالب مفاهیم و مقولاتی منعکس میکند که بهیچ وجه نتواند اساسی آن روابط را نشان دهد، و حتی نتواند آنها را در خود پنهان نماید و آنها را از چشم اغیار دور نگذارد و مقولاتی مانند **مستقلیت ملی**، **مستقلیت اقتصادی**، **مستقلیت فرهنگی** و غیره را که در واقع بازتابی از منافع و مناسبات اجتماعی است، در قالب مفاهیم و مقولاتی منعکس میکند. اما در عین حال، این مقولات، "حق طبیعی" را که در واقع "حق طبعمی" است که سرمایه دار را به نظر میرساند، و این واقعیت را که سود سهمی از حق کار است که سرمایه از چنگ آن میریاید، پوشیده و در ابهام نگه میدارد. اما در مقابل "ارزش افزایی"، "ارزش نیروی کار" مقوله هایی هستند که بهوضوح نشان دهنده روابط استثمار و استثمارگر و سرمایه دار را منعکس میکنند. در حالی که سود و مزد آن تفاو و آن واقعیت را پوشیده و نهفته میدارند، و چنانچه نام و نموده میکنند مزد همان ارزش کار و کارگر است و سود دستاورد و حاصل طبیعی و بحق سرمایه دار میباشد.

حال با توجه به این توضیح آیا گفتواره "خلق و ضد خلق" که مفهومی استراتژیک نیروهای اجتماعی را از نظر پیکار منعکس میکند، صریح و دقیق اند، یا اینکه مبهم و پوشاننده؟ "خلق و ضد خلق" چه چیزی را بازگو میکند؟ چه باطنی و توهمات و ابرطرف و زایل نمیکند؟ و کدام تناقضات واقعی را منعکس میکنند؟ بنظر ما هیچ.

"خلق و ضد خلق" همانقدر روشن و صریح است که مفاهیم "حاکم و محکوم"، "سلطه و تحت سلطه" و "ثروتمند و فقیر". همانطور که برای روشن ساختن حاکم و محکوم درجا معیای متفاوت دیگری را شناخت، که وضعیت طبقاتی را معیار توضیح میدهد، و حاکم و محکوم خود هیچ کمکی بهما نمیکند. بهمان ترتیب برای شناخت "خلق و ضد خلق" باید واقعیت و تفاو را شناخت که محتوای خلق و ضد خلق را برای ما توضیح دهد. تازه اگر آن واقعیت طبقاتی را که محتوای خلق و ضد خلق را باید تشکیل دهد، شناختیم، چه نیازی هست که صورتی صریح و طبقاتی قفا را در پشت پرده "خلق و ضد خلق" پنهان کنیم؟ قلمی که هیچ معلوم نیست، اساس و محور تقسیم آن چه چیز است! و هر کس میخواهد با رغور و بران سوار گردد.

۱. انقلاب، نوع و مرحله آن، علیرغم بستگی آن به

وضعیت اقتصادی جامعه بیش از هر چیز و مستقیماً تابع روند

مبارزه طبقاتی، همیشه منطبق و همزمان با تحولات اقتصادی نمیباشد.

ممکن است بگویند که "خلق و ضد خلق" نیز بستهای همین وضعیت را دارد، و خود نمیتواند بخودی خود طبقاتی را که در ظرف آن جمع میشوند منعکس نماید، و بلکه باید آنها را درجا معیای بر مبنای دیگر شناخت، شکی نیست و البته که چنین است، اما باید توجه داشت که اولاً معیار تعیین حدود مفهوم "خلق و ضد خلق" در ادبیات م.ل واضح و روشن است و ثانیاً این مفهوم کلی بهیچوجه اساس و محور تعیین استراتژی و مفهومی استراتژیک نمیشد.

بنابراین جفت واژه "خلق و ضد خلق" نهی از آن غلطی اساسی مفهومی و مقولات و قالب های م.ل بوده، و بهخصوص از آنجا که صورتی یکسان در این خود نمیکند، و مفهومی استراتژیک نیروهای درگیر در مبارزه طبقاتی را میخواهد منعکس نماید، و در این رابطه کمکی که نمیکند هیچ باری بر مشکلات مفازا، و با زبانی که جایگزین مفهومی و تفاو های طبقاتی میشود، و آنها را در خود مستتر میکند، جنبه ابهام آفرین و پوشاننده دارد.

اما سؤال مهم اینست که چرا در جنبش م.ل ایران توسل به چنین

در صفحات جلوتر توضیح داده خواهد شد

و بیان مشکل آفرینی وسیع و همه گیر شده است؟ چرا کارگران ایران جفت واژه با وسعت حیرت انگیزی جایگزین کارست تفاو و مفهومی بسند بهای طبقاتی گردیده است؟

بنظر ما گرایش نیرومند و وسیع در کاربرد جفت واژه "خلق و ضد خلق" و عباراتی از این قبیل که "حق خلق" را معنوم نمائیم، "حق طبعمی" را تبعیم کنیم این سیاست خلقی است یا ضد خلقی؟ در جنبش ایران حکم یک عقب نشینی را برای مارکسیسم-لنینیسم در برابر بولویسم و اندیشه های بورژوازی دارد، اما چگونه؟

در ادبیات م.ل سالهای اخیر کشور ما، بررسی وضعیت اقتصادی - سیاسی کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و متخاصمان ایران بر اساس این متدولوژی صورت میگرفت، که تعبیر و تحولات جوامع تحت سلطه را بنا بر دینا میک تفاو خلق و امپریالیسم که هم تفاو عمده جهان و هم تفاو عمده کشورهای تحت سلطه تلقی میشد، ارزیابی و تبیین میشد.

اگرچه تغییر و تحولات جوامع مزبور را تابع و تحت انشعاع سیستم جهانی سرمایه داری است، و عامل تعیین کننده تکامل این جوامع را نیز تفاو مربوط به این سیستم جهانی است، اما این متدولوژی تحولات انقلابی درونی هر یک از کشورهای تحت سلطه را عمدتاً و در درجه نخست بنا بر قوانین و تفاو های کلی جهان تبیین میشد، و بجای آنکه روندها و اوضاع این کشورها را پیش از همه، بواسطه وضعیت مشخص این کشورها و اوضاع اقتصادی - اجتماعی و مبارزه طبقاتی آنها توضیح دهد، آنها را از احکام، قانونمندیها و قالبهای کلی و عام جهانی استنتاج نمینمود، پیش از آنکه ابتدا بطور مشخص اوضاع اقتصادی و سیاسی این جوامع بررسی و سپس در بر ترقوانین و احکام عام جهانی به قالب احکام و تئوریهایی درآید، مفهومی ظرف حاضر، اما ده و کلی "خلق و ضد خلق".

امپریالیسم "را در میان گذاشت تا اوضاع و روندها و نیروهای این جوامع را بنا بر قالب حاضر و آماده "خلق و امپریالیسم" حشیت بزنند، بجای آنکه از طبقه و وضعیت مشخص اقتصادی

و سیاسی آنها تفاو و احکام و قانونمندیهای حاکم بر اوضاع مشخص آن کشورها استخراج شود، اوضاع مشخص اقتصادی - اجتماعی و تفاو آرای نیروها بنا بر طرف از قبل آماده خلق و امپریالیسم استخراج

و ردیف میگشت، سلطه امپریالیسم بر این کشورها از اصول و بدیهات تحلیلی و تائید روندها و تفاو های این کشورها از قانونمندیها و روندهای امپریالیسم

نیاز از مقدمات مسلم تحلیل و ارزیابی اوضاع این کشورها محسوب میشد، اوضاع مشخص اقتصادی و سیاسی آنها هر چه میخواهد باشد، آنچه برای متدولوژی مزبور مهم و محل توجه بود، همان تبیین شوندهی اوضاع و روندهای اقتصادی و سیاسی داخلی از امپریالیسم به شمار

میرفت، خلاصه آنکه این متدولوژی تحلیل مشخص از شرایط مشخص را به یل به تحلیل کلی و قیاس گونه از شرایط مشخص نموده بود، و بجای آنکه از طبقه و واقعیت و مبارزه طبقاتی جاری کشورهای مورد نظر تحلیل و قانونمندیها را استخراج کند، برعکس عمل میشد.

این متدولوژی در محور خود تفاو خلق و امپریالیسم را داشت که در حکم "تخت پروگوست" بود، و تفاو اوضاع و احوال مشخص کشورهای مختلف میبایست بنا بر آن اندازه گرفته میشد، و نتیجه کار را نیز به "تخصیص" مزبور تبعیم میشد، تفاو مزبور گذشته از آنکه هیچ

ساخت اقتصادی و مبارزه طبقاتی خاص و معینی را نمایانگی نمیکند حتی نقش پویا نموده مسایات اقتصادی، سلطه و مبارزه طبقاتی اساسی هر جا مع مشخص را دارد.

لازم به توضیح است که واژه امپریالیسم چنان کاربرد گسترده ای یافت که نه تنها خرده بورژوازی که بورژوازی - لاقل بخشی از آن - نیز آنرا مورد حمله قرار میدهند، زیرا که این واژه در معنای کلی و

بقیه در صفحه ۹

۱- ناگفته نماند که خرده بورژوازی و یا حتی بورژوازی در بعضی از مناطق جهان به مبارزه با امپریالیسم دست میزنند یا میزدند است.

این چنین مبارزه ای بر علیه امپریالیسم از جانب خرده بورژوازی و یا بورژوازی بعضی از جوامع بر علیه امپریالیسم با وجود آنکه تحت رهبری پرولتاریا باشد از آنجا که در جهت تضعیف ارتجاع و تفاو انقلاب

عمده حاکم بر جهان عمل میکند از خصلت مشرقی و رویتکامل برخوردار است.

بقیه از صفحه ۱۲

خلق و ضد خلق

حجه مناسبت با بدو دتووع مف بندی وجود داشته باشد، حال آنکه مبارزه طبقاتی وجود واحد و یکسانی است؟ اگر مف بندی "خلق و ضد خلق" در رابطه مستقیم با مبارزه طبقاتی است و نه ساخت اقتصادی - اجتماعی باید پرسید که اصلاً چرا وجه مناسبت مف بندی "خلق و ضد خلق" جنبه استراتژیک دارد؟ چرا "انقلاب و ضد انقلاب" جنبه تاکتیکی دارد؟ اگر چنین تمایزی باید در میان باشد چرا با نشان برعکس نباشد؟ یعنی آنکه "انقلاب و ضد انقلاب" جنبه استراتژیک داشته باشد و "خلق و ضد خلق" جنبه تاکتیکی پیدا نماید!

بیکار را کراسدال مقاله را که آورده شد، ننویزیده باشد، بسیاری سؤالات فوق پاسخ روشن خواهد داشت و آن اینکه "ساخت اقتصادی اجتماعی" نسبتاً ثابت و پایداری است. در حالیکه مبارزه طبقاتی متغیرو مشخص میماند، و نیز اینکه "خلق و ضد خلق" تنها نگرش فاد بایدار و نسبتاً ثابت جاسمه میماند که همان تضاد خلقی و امیریا لیسیم بشمار میرود. حال آنکه "انقلاب و ضد انقلاب" شکل مشخص و تنفییر با بند این تضاد درو - مانهای مختلف نشان میدهد.

اما فاسوس! که "بیکار" ناگزیر از پذیرش اینست که مف بندی استراتژیک و تاکتیکی هر دو جنبه "خلق و ضد خلق" و "انقلاب و ضد انقلاب" مستقیماً در رابطه با مبارزه طبقاتی جاسمه، وضعیت و روند آن تعیین میگردند. و تنها آنچه میماند همان مسئله قبلی است که چرا وجه مناسبت با بدو دتووع مقوله برای وجود واحدی ردیف کرد؟ "بیکسار" حتماً خواهد گفت، خوب یکی جنبه استراتژیک قضیه را نشان میدهد، دیگری جنبه تاکتیکی آنرا منعکس میکند. آیا زغوا هم پرسیده که چرا "خلق و ضد خلق" باید متوجه جنبه استراتژیک باشد، و انقلاب و ضد انقلاب متوجه جنبه تاکتیکی مبارزه؟ و چرا نباید برعکس باشد؟

البته یکی نیست که تاکتیک و استراتژی مبارزه، تمایز و تفاوتهایی دارند که بر شمرده و برهم منطبق نیستند. توضیح بیشتر اینکه، نسبتاً - کنیک در رابطه با اوضاع مشخص و شرایط مقطعی مبارزه است که در اینجا لزوماً به وضعیت مشخص و منقسم مبارزه طبقاتی جاسمه متوجه میشود. بر اساس این بر خورد، یک نسبت - ر و ک - م موقتاً به مف ضد انقلاب پیوسته، ضد انقلاب تلفیق میشود، و مرکب - سوب آن هدف مافرا میگیرد. ولی آیا میتوان گفت که آن نیرو برای همیشه باید ضد انقلاب تلقی شود، و هدف ماسرکوب آن باشد؟ اینجا است که پای محبت از استراتژی بمان میاید. استراتژی که سیاست و طرز عمل کلی مبارزه را در یک مرحله معین تاریخی تعیین میکند. در رابطه با مبارزه طبقاتی جاسمه در مجموع و مف بندی طرقات در کل پروسه مرحله تاریخی معین و مربوط است - هر چند این "مبارزه طبقاتی در مجموع خود متنازاً اوضاع اقتصادی بطور کلی است. حال با آگاهی بیشتر به اشکال مشخص با کلی مبارزه، مسئله مورد نظر بر امان باز تر و مشخص تر میشود. و آن اینکه چرا صورت مشخص و مقطعی مبارزه طبقاتی در مف بندی "انقلاب و ضد انقلاب" منعکس شود، و صورت کلی و مرحله بی مبارزه طبقاتی در مف بندی "خلق و ضد خلق"؟ چه لزومی دارد که صورت مشخص مبارزه طبقاتی و جنبه تاکتیکی آن، مقوله هایی متنازاً آنچه صورت کلی و مرحله بی مبارزه طبقاتی را توضیح میدهد، داشته باشد؟ و اصلاً چه نوع توهم و انحرافی را از پیش پای ما بر میدارد؟

واقعیت اینست که سؤالات مزبور پاسخ روشنی بدست نمی آورند. زیرا که اساس و علت توسل به چنین مف بندها گنگاوت و تمایزی همان متنازیز کردن "ساخت اقتصادی - اجتماعی" از "مبارزه طبقاتی" و بنا کردن استراتژی بر ساخت اقتصادی - اجتماعی میبکند. بخصوص که ادبیات م. ل. نه تنها هرگز چنان مف بندی و مقوله بندی متمایزی را برای استراتژی و تاکتیک عرضه ننموده، بلکه باز به خصوص که درست عکس این تقسیم بندیهای من در آوردی را در ادبیات م. ل. مشاهده میکنیم.

اما سنار آنکه به ادبیات م. ل. رجوع کنیم تا بر خورد بزرگان م. ل. را در این رابطه جستجو کنیم، لازم است که بررسی خود در مورد

تعیین اساس و علت توسل به چنین مف بندیهای مبهم و نپایانده ای ادامه دهیم. آیا برستی علت توسل به چنان مف بندی همان مبارز کردن "ساخت اقتصادی - اجتماعی" از "مبارزه طبقاتی" است؟ غیر از مسئله "خلق و ضد خلق" به این سادگی نیست که گفته خبر میدهد. اصطلاح "خلق و ضد خلق" عمیق تر و پیچیده تر از آنست که در این توضیح ساده منعکس است. این توضیح ظاهراً با نشان میدهد، و در واقع توجه و جوش ظاهری اصطلاح را نشان میدهد، نه اساس و علت قضیه را. زیرا که با تمرکز توجه بر روی "ساخت اقتصادی - اجتماعی" از زاویه م. ل. مباحثی میتوان ارتباط منطقی بین "ساخت اقتصادی - اجتماعی" و "مبارزه طبقاتی" را روشن ساخته، و عابکاه مبارزه طبقاتی را در ستر "ساخت اقتصادی - اجتماعی" باز ساخت و در نتیجه اسرار - سز و تاکتیک مبارزه را بنا بر محور و اساس مناسبت و اصولی اس که همان مبارزه طبقاتی است، تعیین نمود.

ریشه اصلی قضیه در اصل چیز دیگریست و آن نه در تمایز "ساخت اقتصادی - اجتماعی" و "مبارزه طبقاتی" فنی نفسه که در نگرش است که چنین تمایزی را توجیهی برای دتووع مف بندی قرار میدهد. آن نگرش چیست که تمایز واقعی بین "ساخت اقتصادی - اجتماعی" و "مبارزه طبقاتی" را اساس تمایز غیر واقعی متناقض دتووع مف بندی (استراتژیک و تاکتیکی) قرار میدهد؟

بنظر ما این نگرش که ما با در دست و لوزی خطاب میکنیم، دقیقاً در پس ظاهر طبیعی "خلق و ضد خلق" نهفته است. و توانسته است برای خود پوششی فریبده فراهم نماید. که همان مف بندی "خلق و ضد خلق" میباشد.

در هیچ سطر از میلیونها سطر ادبیات م. ل. نمیتوان نشانی از این اختراع جدید و این چنین مف بندی مشاهده کرد. ما بکرات در ادبیات م. ل. با مفاهیم خلق، انقلاب، ضد انقلاب، ارتجاع و نیز بندهای مفهوم ضد خلق روبرو میشویم. اما هرگز اثری از مف بندی "خلق و ضد خلق" و ترکیب جفت واره این دو مفهوم به چشم نمیخورد. و هرگز این

● خلق و ضد خلق، همانقدر روشن و صریح است که مفاهیم

"حاکم و معکوم"، "سلط و تحت سلط"، "ثروت مند و فقیر".

احکام من در آوردی در مورد خلق و ضد خلق چیزی نیست، چرا؟ اساساً بزرگان م. ل. غفلان به این ابداع نفوذ دهنی داد؟ آیا آنها بر فکر پیدا کردن معیارهای دقیق و قالب های سهل و ساده فهم ننشاندند؟ شاید رفقای بیکار را ظاهراً بدانند که اصلاً مگر همه مفاهیم و قالب ها نامند. بوسیله آنها عرضه میشد؟ و ممکن نیست که پاره ای از قالب ها و مفاهیم در زمانهای جدید و جدید تر و حتی در آینده فراهم آورده شوند؟ پیدا است که نباید انتظار داشت که تمام مفاهیم و مقولات و قالب های سابق الفعل بالفعل همانهایی باشند که بزرگان کلاسیک م. ل. ابداع کرده اند و طبیعی است که با گذشت زمان و با تکامل جاسمه ستری و اصلاً مبارزه پرولتاریا مقولات، قوانین، تئوریه و قالب های جدید و بدتر کشف و ابداع شوند. حال در این رابطه باید دید که با حفت و از "خلق و ضد خلق" همین غفلت و نومت کامل را دارد که در تبیین فاسا و تعیین هدفها و روشها و توضیح قفا با کمک بیشتری بنماید؟ بنظر ما هرگز! زیرا که غفلت ایبایی مفاهیم مارکسیستی آنست که برخلاف مفاهیم خاص علم بورژوازی روشن، دقیق و انتکارات تبیین کننده محتوای خود میباشد. مفاهیم مارکسیستی خاص تبیین اوضاع و احوال جاسمه و روندهای آن، از نظر تاریخی در مقابل با مفاهیم بورژوازی با سبه میدان گذاشتند، تا تناقض اساسی را که در پس مفاهیم بورژوازی تبیین جاسمه پوشیده و پنهان میماند آشکار نمایند. و سرده، اسهام آفرین و پوشتانده این مفاهیم را که محتوای واقعی خود را پوشتده میداشت، از هم بدرند.

خلق و ضد خلق (قسمت سوم)

فترتیدی نیست که مرحله انقلاب در هر جا معیشتی به وضعیت اقتصادی و نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم بر آن جامعه نیز دارد. اما از آنجا که هر انقلابی بطور کلی بمعنای سرکونی طبقه حاکم و جایگزین شدن طبقات تحت سلطه میباشد، و از آنجا که طبقه حاکم بزرگ جامعه همیشه و در همه حال همان طبقه حاکم اقتصادی نیست. و ممکن است که انقلاب متوجه سرکونی و نابودی طبقه بی بائد که از لحاظ اقتصادی بهمان نحو کمیت نداشته باشد، که در عرصه سیاست و اداره جامعه حاکم است. بنا بر این چنین نتیجه میشود که مرحله انقلاب به عوامل دیگری نیز غیر از عامل اقتصادی بستگی دارد. چنانکه در آستانه انقلاب قوریه ۱۳۱۲ طبقه حاکم اقتصادی روسیه دیگر همان فئودالها نبودند، و بلکه بورژوازی انحصاری بود. اما انقلاب متوجه سرکونی نظامات قرون وسطایی و تزاریسم بود. هدف انقلاب در این مرحله چنانکه استالین نیز میگوید برانداختن تزاریسم و معوکل بقایای قرون وسطایی بود. در نتیجه انقلاب قوریه "قدرت حاکم قدیمی نزاری که فقط بجا مانده مثنی ملاک فئودال بود و بر سامان مابین دولتی ارتش، پلیس و دستگاه اداری (فرمانروایی میکرد، درهم نکتند و بر افتاده قدرت دولتی در روسیه بدست طبقه جدید، یعنی بورژوازی و ملاکین بورژوازی و اندام افتاد (۳۵۸) لندن، منتخب آثار، میکهدی)

منا هده میکنیم که تازه در نتیجه انقلاب قوریه است که بورژوازی به طبقه حاکم تبدیل شود. حال آنکه از مدتها پیش سرمایه و مناسبات آن سرمایه دوسه حاکم بوده است. بنابراین دیگر پیش از انقلاب قوریه بورژوازی از نظر اقتصادی حاکم بود. اما از لحاظ سیاسی نه آيا وجود آنکه اقتما دسلطو حاکم همان اقتصاد سرمایه داری بود، اما هدف انقلاب، برانداختن تزاریسم که "سایه مثنی ملاک فئودال" بود - نه بورژوازی - بشمار میرفت.

بر اساس مثال تاریخی فوق میتوان تکبید گرفت که هر انقلاب نوع و مرحله آن تنها به وضعیت اقتصادی بستگی نداشته. و از آنجا که هر انقلابی متوجه بچنگ آوردن قدرت از یک طبقه حاکم است پس، امر انقلاب، نوع و مرحله آن بیش از هر چیز بستگی به وضعیت طبقاتی جامعه دارد. و مستقیماً بوسیله اوضاع مبارزه طبقاتی جامعه تعیین میشود. اینگونه وضعیت مبارزه طبقاتی و قدرت سیاسی حاکم در اساس و در نهایت تابع اوضاع اقتصادی است. باقی آنچه گفتیم نمیباید. انقلاب عمل مرفا کو رو خود بخود نتایج سیاسی میدهد. انقلاب مثنی سر پیونده عوامل عینی و ذهنی در جامعه است. انقلاب محصول گرد آمدن و جوش خوردن عنصر خود بخود و عامل آگاهی در جامعه است. انقلاب بر مبنای کشاکش طبقات انقلابی و ضد انقلابی بر سر قدرت سیاسی صورت میگیرد. انقلاب تصرف قدرت سیاسی بوسیله طبقه یا طبقات انقلابی میباشد. طبقه یا طبقات انقلابی هر چند که از قوانین تکامل اجتماعی بدورویی بهره باشند، باز در مسیر مبارزه بمنتظر سرکونی طبقه حاکم "فدا انقلابی" با آگاهی تاریخی خود عمل میکنند. که در هدایت بسیج و سازمان دادن نیروهای انقلابی بر علیه طبقه یا طبقات ضد انقلابی خود را بشمار میگذارد (متجلی میشود) از اینروست که میگوئیم انقلاب بوسیله مبارزه طبقاتی تعیین میشود. نقش تعیین کننده عوامل اقتصادي نسبت به سایر عوامل در جامعه و از جمله نسبت به انقلاب از کانال تأثیر حتمی تعیین کننده بر مبارزه طبقاتی میگردد. و مبارزه طبقاتی جامعه را در بر داشتن این تأثیرات و پیوند دادن آنها با عامل سیاست و آگاهی نوع و مرحله انقلاب را تعیین میکند.

مبارزه طبقاتی در معنای دقیق سیاسی آن که در عین حال بسیار تأثیرات اقتصادی را نیز بر خود حمل میکند، و از لحاظی میتوان گفت بسیار پیوسته اقتصاد دوسایت و زیر بنا و رویناست. کیفیتی است متناهی و

- نه مستقل - از اقتصاد، و همراه با ویژگیهای خود، بهمین دلیل نه - بنا میگردد مبارزه طبقاتی همان دینا میک و چه تولید و اقتصاد جامعه میباشد. و در همین رابطه است که تا همزمانی و عدم انطباق انقلاب به معنای دقیق آن - یعنی جابجایی طبقه یا طبقات حاکم و معکوس - با انقلاب اقتصادی یا تحول زیر بنایی جهره نمیباید.

علامه آنکه انقلاب، نوع و مرحله آن علیرغم بستگی آن به وضعیت اقتصادی جامعه، بیش از هر چیز مستقیماً تابع روند مبارزه طبقاتی و وضعیت آن میباشد. و از آنجا که تغییر و تحولات سیاسی - طبقاتی همیشه منطبق و همزمان با تحولات اقتصادی نمیباشد بنا بر این به مسئله طرح شده میتوان چنین پاسخ داد که بله، تغییر در مرحله انقلاب بدون تغییر اساسی در اوضاع و احوال اقتصادی نیز میسر است.

در نتیجه و بنا بر این که استراتژی مبارزه و هدف بندی استراتژیک نیروهای اجتماعی مثنی بر "مرحله موجود انقلاب" است - در محاسبات پیش بدین حکم رسیدیم - این مکان و وجود دارد که استراتژی مبارزه و هدف بندی استراتژیک نیروهای اجتماعی تغییر یابد، بدون آنکه نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم دگرگون شده باشد. و تماماً این امکان وجود دارد که هدف "خلق و ضد خلق" که از نظر بیکار جنبه استراتژیک دارد، تغییر یابد، بدون آنکه ساخت اقتصادی - اجتماعی دگرگون شده باشد. در اینجا بیکار متأسفانه با تناقض روبرو میشود. و فرمول هدفی اش به سبب بر گرفته میشود. یعنی آنکه هدف "خلق و ضد خلق" یا به عبارت دیگر هدف بندی استراتژیک نیروهای درگیر در مبارزه تغییر میباید، اما محور تعیین "خلق و ضد خلق" که این هدف بندی "بلحاظ آن" - ساخت اقتصادی - اجتماعی - تعیین میشود، بدون تغییر سیاسی می ماند.

حال "بیکار" تاگزیر است که با ارتباط درجه اول و مستقیم بین "خلق و ضد خلق" و استراتژی را راه کند. با اینکه ارتباط طینی مابین "خلق و ضد خلق" و ساخت اقتصادی - اجتماعی "را بهراموشی بشمارد. در صورت اول بیکار هدف بندی "خلق و ضد خلق" را نه در رابطه با تاکتیک - از قبیل چنین رابطه ای موجود نبود - و نه در رابطه با استراتژی مبارزه تعیین خواهد نمود. و در نتیجه یک هدف بندی ابداع کرده و مبارزه با آن فریده، که نه در رابطه با تاکتیک مبارزه اجتماعی است و نه در رابطه با استراتژی آن، و تنها بدر آکا دمیمن های علوم - آنهم علوم طبیعی - میخورد. با اگر انسان بدیدیم بدرد آکونو میمنتها ی تمام عیار میخورد که سفت در تلاش توجیه علمی دورنگه داشتن خود از هر مسابست میباشد. و در نتیجه نگامل عینی جامعه خوش کرده اند.

در صورت دوم، یعنی در صورتیکه "بیکار" ارتباط طینی بین هدف بندی "خلق و ضد خلق" با ساخت اقتصادی - اجتماعی "را بهراموشی بشمارد. آنچه میماند اینست که "بیکار" مدعای خود را در مورد مبارزه با هدف "خلق و ضد خلق" بلحاظ ساخت اقتصادی. اجتماعی "تعیین میخورد، طینی و تصحیح نمیباید.

با فرض اینکه "بیکار" چنین کرده است، تنها در مقابل خواهی هم داشته هدف بندی "خلق و ضد خلق" نوعی هدف بندی استراتژیک میباشد و هدف بندی "انقلاب و ضد انقلاب" نوعی هدف بندی تاکتیکی. حال ممکن است که خواننده بگوید، که مطلب بازگشت به جای قبلی، یعنی آنکه ما کماکان با دو نوع هدف بندی روبرو هستیم که یکی بین هدف آرایشی استراتژیک نیروهاست و دیگری هدف آرایشی تاکتیکی نیروهای درگیر در مبارزه را نشان میدهد. ولی نه، ما یک گام به پیش برداشتم، و اگر "بیکار" هم استدلال باشد را پذیرفته باشد، با اتفاق "بیکار" این مسئله را که هدف بندی "خلق و ضد خلق" یا به عبارت دیگر هدف بندی استراتژی یک بلحاظ ساخت اقتصادی - اجتماعی "یا به عبارت دیگر بلحاظ "موقعیت عینی در ساخت اقتصادی - اجتماعی "تعیین میشود، بیکار گذاشته ایم، و هر دو هدف بندی را اعم از "خلق و ضد خلق" و "انقلاب و ضد انقلاب" در درجه اول بنا بر مبارزه طبقاتی و وضعیت و روح آن تعیین میکنیم.

در اینجا مسئله ای که فراروی ما قرار میگیرد اینست که آیا محرو و بنیه در صفحه ۱۱

قطع کامل رسته های خونین امپریالیست ها
فقط بوسیله کارگران و زحمت کشان امکان پذیر است!

ضمیمه سیاسی خبری 'رومندگان' ارگان سازمان رومندگان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۵۹ تک شماره ۱۵ ریال

پیک رومندگان

گمونیستها هرگز به مردم
دروغ نمیگویند. کمونیستها
هرگز به ما حیوان قدرت تکلیف
نمیکنند. کمونیستها فقط به
قدرت طبقه کارگر و گروهها
زحمتکشان و رومندگان
انقلابی تکیه میکنند.
ولادیمیر ایلیچ لنین

اعتصاب خونین کارگران قائم شهر ستاره درخشانی بر تارک جنبش کارگری ایران

غروب روزه ۱۰ تیر ۵۴ و مبارز قائم شهر از یکطرف
خیابانهای باریک و کوتاه
قائم شهر عرصه درگیری ها و
زد و خوردهای کارگران، دانش
آموزان، دانشجویان، کمونیست
نیست ها و تمام مردم جانباز
و مبارز قائم شهر از یکطرف
و پلیس وحشی و حیوان مفت
آریا مهری از سوی دیگر بود
پلیس با باتوم و اسلحه اش
و کارگران و زحمتکشان
با پشت های گره کرده و آجر
و سنگ در مقابل هم قرار
گرفته بودند، مردم مقاومت
میکردند و پلیس بر نردت خونیت
خود سیاقزود، زد و خورد تا نیمه
های شب ادامه داشت و شب ها
بقیه در صفحه ۵

حمله به مجاهدین خلق "رسمی" شد!

پس از ماهها که در هر منبر
و مسجد و در اغلب بیرونه های
رادیو تلویزیونی، سازمان
مجاهدین خلق، بعنوان دشمن
خلق، همپست آمریکا، منافق،
چاق دار، و در یک عبارت،
ب عنوان ضد انقلاب معرفی شده
و توده های نا آگاه را بر علیه
آنان و سایر نیروهای کمونیست
و انقلابی بسیج میکردند،
بر انجام، هفته پیش، این
مسأله جنبه رسمی یافته و بنا
گهان همه ارگانهای تبلیغاتی
رژیم اینبار به حمله های
مستقیم و بی پرده به سازمان
مجاهدین خلق ایران پرداختند
و بی شرمانه ترین دروغ پردازی
ها درباره این سازمان،
همچون موجی در سراسر کشور
گسترش یافته است.

درواقع رژیم جمهوری
اسلامی، از فردای بقدرت رسد
نش، و حشود زاده آزاده انقلاب
زحمتکشان، با آتشچنان وقاحتی
به دروغ و گویی های گاه به گاه و
مشترک کننده دست زد، که حتی
برای نزدیک ترین موافقان
سیاسی اش نیز باور نکردنی
بود.

اولین حمله های تبلیغاتی
تی حکومت را که عموماً متوجه
با مواج ملت و پیش رونده

'پوشش اسلامی' بردهای بروی مشكلات رژیم خلق میخروشد رژیم قربانیان جدید می طلبد!

در صفحات دیگر میخوانید:

- از ترس مردم مبارز ایران حکومت محاصره
- اقتصادی کردستان را انکار میکنند!
- بنکد، در بیداری زحمتکشان شهر مقاومت!
- رفیق تقی شهرام، بیداری در قبال
- دستهای حکومت
- اخبار کردستان قهرمانان
- اخبار کارگران و کمیسری
- اگر هواداران زندانی سازمان جزیکها
- بدستور بستی از زندان آزاد شدند، چه باید بکنند؟
- اگر نشریه کار قانونی خود.....!
- هر نشریه کم قانسیون!
- خطاب به رفقا و هواداران

خطاب به مجاهدین آزادی را گدایی نکنید، آن را بازستانید!

بیش از یک هفته از صدور
جواز رسمی برای حمله سازمان
مان مجاهدین خلق میگذرد و
در این مدت دشمنان قسم خورده
نیروهای انقلابی، برای حمله
مستقیم به مجاهدین خلق و
منشج کردن اوضاع بر علیه
آنان، جشن جقیرائیای برپا
کرده و در این راه از هیچ اقدام
امی فروگذار نمیکنند.
در این میان سازمان
مجاهدین خلق که تا گهان خود
را در محاصره بی رحمانه
نیروهای ارتجاعی و بخشی از
توده های نا آگاه میبیند، به
واکنش هایی دست زده است،
که از نظر ما جای بحث دارد.
مجاهدین خلق که به علت
نفوذ توده ای و نه به علت مزب
بت کفایت بر منافقین (و ارجح
و حشیت هیات حاکمه شده است، در
مقابل تمامی این جملات راه
سکوت و درخواست را در پیش
گرفته است سازمان مجاهدین
خلق از رژی که او را جنسین
سند در صفحه ۹

حملة به . . .



این سازمان از صفوف مبارزات خلق دارند و حزب جمهوری اسلامی و اعوان و انصارش ساکنانند در این خلافت به حوزه است. ثلوثی که سیاستمداران را دارد که این اختلاف طبقاتی را با دست و پا میزدند، بدست شکست میبوی بخور کنند.

در هر حال، حمله به ما - عده این خلق از نظر ما - یک اقدام مذهبی بقدمت نیست. سوره "مناقصین" نیست و بقدمت تقرب به الله نیز از این مقام نگرفته است. انحراف که به گردستان، حمله به دانشگاه، دستگیری پروفسوران، تخریب کمیونیتی، اعدام انقلابیون، ایجاد فضای خفقان و ارباب برای جلوگیری از انتشار اخبار و آگاهی مردم و متعاقب آن حمله به کارگران و روزمندان، بقدمت محکم کردن مجدد بنجر - های اسارت سرمایه داری و استبداد بوده و همه و همه در مسیر اقداماتی است که حکومت برای استقرار حاکمیت خویش انجام میدهد و حمله به سازمان مجاهدین خلق نیز جلوه ای از همین زنجیر اقدامات جهت تحقق همان اهداف ضد انقلابی است!

اما واکنش سازمان مجاهدین خلق هم، در مقابل این وقایع، جای حرف بسیار دارد. آنها در حالی که زبردترین حملات از جانب حکومت قسرا بر گرفته اند، از همین حکومت تقاضای بی رحمت شناسایی فعالیت سیاسی خویش را دارند. آنها در حالیکه چاپ نشریات و فعالیت علمی خود را متوقف کرده اند، چشم به مجرای قانون اساسی "مجلسین" میگردانند! "دوستان" آنها در جریان اوج گیری مبارزات بقیه در صفحه ۱۱

حملة به دو بار اشاره به انسان اظهار داشت "... کسی که طر - فدار قرآن و نهج البلاغه و اسلام است، حق ندارد که با حمله اسلام گرای کنونی را ... تضعیف کند و دروغ بگوید. ... و به این ترتیب، به نقطه ما - هیت قد خلقی حکومت را در پشت جبهه ای همچون "جامعه اسلام گرای کنونی" پنهان میکند. بلکه مبارزه مجاهدین خلق را نیز، به عنوان "کسی که طر - فدار قرآن ... است، مقابله با اسلام میانه مدون کند و چنانچه اینک با پیشروانند ترسیدن دروغ ها، آنان را دروغگو خطاب میکند!

حزب جمهوری اسلامی، روزنامه های ریز و درشت حزب

الدوم و ادویمیای حکومت، تصاویری سعی خود را بکار میبرند تا اختلاف میان خود و مجاهدین

را، اختلاف اندیشی و روشی و فکری و خود را نمایانده اسلام واقعی و آنها را نمایانده اسلام التقاطی (۱) و انحراف دارند. اما حقیقت اینست که اختلاف میان حکومت و مجاهدین اساساً یک اختلاف طبقاتی است که با ریاکاری تمسک به اختلاف مذهبی قلمداد میشود. در این میان، هر کدام از جناح های هیأت حاکمه برای سرکوب کردن شیوه ای مخصوص سرودار، یعنی مدو و لبرالها یا چپک زدن به مجاهدین و کوشش در به سازش گذاشتن آنها، سعی در خارج کردن

از هجوم تبلیغات حکومتی بی نصیب نیامدند و اگر چه با اقتضای ملاحظات آنان سیاست حکومت، این حملات قدری دیرتر آغاز شد، اما عمدتاً از مضامین و شیوه های همان سببی برخوردار بود.

گردانندگان جمهوری اسلامی، از همان ابتدا همواره کوشیده اند تا مخالفین سیاسی خود را هم با حربه های مذهبی و هم با جنگ ابزارهای سیاسی مورد هجوم قرار دهند. آنها که کمیونست ها را "عاطلین میگذاشتند" میانه مدون و مبارزات آنان را برای علیه نظام طبقاتی، ناشی از ماوریتشان (۱)

برای "شری" القیاد میکردند، سرایت پس از آنکه مبارزه

طبقاتی اوج گرفت، آنان را "کفار" نام نهادند و این بار

با ارتش اسلام به سوشال

تاختند! حکومت در مورد مجاهدین نیز همین روش را بکار گرفت و اینک مدتهاست که میگوید سیاستمداران کلماتی چون "مناقصین" و "التقاضی" و غیره ... دشمنی سیاسی خود را با آنان، حکومت مذهبی جلوه دهد. از جمله امام جمعه تهران که هر هفته برای توجیه اقدامات و تحریک تبلیغاتی بر علیه کمیونست ها و شیوه های انقلابی و قیام به سرین دور آنها را ایدام عبادت، بخورد خلق را ایدام میدهد. این هفته هم با اسباب دو از این ساعدی که بدست آوردند، به مجاهدین حلی

انقلاب و خصوصاً علیه کمیونست ها و شیوه های چپ بود. هنوز خیلی ها بخاطر دارند که در حقیقت دروغها و تهمت های کوبنده، ساخته و پرداخته ای را که رژیم، زینت بخش تبلیغات خود میکند، میتوان در زیره آشکار گشتیک بنا شیکری سیاسی بحساب آورد!

سخنرانی رئیس مجلس، فقط یک شب پس از قیام خونین خلق و ادعای اینکه دشمنان اسلام، مردم را فریب داده و وادار به خلق سلاح یا دکان ها کرده اند! (۱) و با چند ماه بعد، ما برای نخستین روزنامه میاندگان و اعلام این قضیه گسسته مدارک ارتباط آن با اسرائیل بدست آمده و "تزویدی" منتشر خواهند شد! (۱) در زیره مغر و فترتین مواردی که تبلیغات بی شرمانه و در عین حال، با شتاب بودند! این تبلیغات حکومت هنوز هم که هنوز است، از این اسناد خیالی بسطاد میکنند و خفاقت هم نمیکند! باقی اعلامیه های کمیونست ها مثلاً در حیطه متهمین و انچه سرانندازی به شریعتمداری در قم، بیافتن قرص های ضد بارداری در ستاد مجاهدین خلق و این اواخردر سنگ های شهر تهران بلند و شرکستند. حرکت های فدایی بیرونی و قیام سر بر که فدائیان اینهمه بر علیه این اعلامیه ما در کردند و تا به هم همین هفته در مراسم بازار جمعه تهران، "سویلیه" رئیس دادگاه های انقلاب اسلامی تبریز عنوان شد و بعدها دروغ و قیام به دیگر دربار، کوبیده و بکار رودیگران، از جمله "ممن تبلیغات کوردلانه و کشف حکومت است". و در این و انشعای مبارزه طبقاتی، مجاهدین خلق نیز

حملة به در مجاهدین خلق حملة ارتجاع به نیروهای انقلاب است!

اگر هواداران زندانی سازمان چریکها به دستور بهشتی از زندان آزاد شدند چه باید بکنند؟!

بی دعوت از سرمایه داران وابسته و ایقاي قراردادهاي اسارت با رايبرياليستي رايه پيش رانده "کار ۴۴" سرمقاله هواداران سازمان چریکها چنین تشریاتی را که علیرغم مواضع سازشکارانه دست به افشاکاری هم میزد پخش کرده و تعدادی از آنها به این حرم

کمیته مرکزی سازمان چریکها با بهشتی به گفتگو نشسته اند، و از او تقاضا کرده اند که هواداران شان را آزاد کنند. در شماره های قبلی روزنامه های کار نوشته شده بود: "بهشتی یکی از کسانی بوده که سیاست سرکوب نیروهای انقلاب

اکنون در زندان بسر میبرد. امروز رهبری سازمان چریکها پیش بهشتی قته و از او میخواهند که هواداران شان آزاد شوند. بهشتی در جواب میگوید: شما با حرفهایتان جورا خراب کردید بهشتی سر من دروغ گفته اید؟ اکنون باید حرفهایتان را پس بگیرد. اعلام مواضع جدید میکنند تا بیخیم چه میشود؟ فرض کنیم رهبری سازمان چریکهای فدایی توبه نامه ها را نوشته و یکسره به انقلاب پشت کردند و بهشتی هم دستور داد که هواداران سازمان آزاد شوند آنوقت هواداران سازمان

اگر نشریه "کار" قانونی شود...

کرد و خلق شرکمن تعریف کنند و اخبار واقعی آنها را به گوشت مردم برسانند.

نباید سیاستهای رژیم را افشاء کند.

باید بر عملکردهای هیات حاکمه کویچک بگذارد، البته میتواند انتقاد کند.

باید میان طبقه کارگر و زمینکشان و هیات حاکمه میان زش برقرار کرده و مبارزه را سه بعد مگوول کند

باید از خود در مورد مواضع گذشته انتقاد کند.

باید اعتماد خود از بهشتی را به میان خلق کرد و سایر مردم ببرد.

در این صورت آیا میتوان "نشریه قانونی کار" را مجسم کرد.

مجم کردن "نشریه قانونی کار" دشوار نیست؛ روزنامه مردم که در هر چهار راه به راحتی به فروش میرسد بنسخه

نقطی "نشریه قانونی کار" است.

نشریه کار تاکنون علیرغم مواضع راست و سازشکارانه اش از:

مبارزات کارگران گزاف - زش تهیه میکرد، اخبار مبارزات زمینکشان را برای خواننده گانش توضیح میداد، اخبار مبارزات خلق کرده و جنایات پاداران و ارتش را به گوش مردم سراسر ایران میرساند.

در باره مبارزات کارگران و زمینکشان جهان مقاله مینوشت، جنایات فرما - ندان را افشاء میکرد.

از برخی خیانتهای رژیم پرده برمیداشت، سیاستهای فدکارگری جمهوری اسلامی را افشاء میکرد.

و اگر نشریه کار علنی و قانونی شود چه باید بنویسد؟ اگر در این شرایط نشریه کار علنی شود، نباید بر مبارزه کارگران علیه جمهوری اسلامی صحفه بگذارد.

نباید از مبارزات خلق

هر نشریه، یک قانون!

اسط انقلاب پروانده مطرح نیست و مطلب مطرح است "از سخنان قدوسی روزنامه انقلاب اسلامی دوشنبه ۹ تیر)

آری درست است از نظر رژیم جمهوری اسلامی تنهها "مطلب مطرح است" روزنامه - های انقلابیون و کمونیستها ممنوع انتشارت و فروش آنها

جرم محسوب میشود زیرا آنها بیش از همه حقایق را روشن میکنند، بیش از همه ما هیئت

فدای انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهند و بیش از همه در جهت آگاه کردن مردم

میکوشند و روزنامه "منافق" آزاد است چرا که بیش از همه دروغ میگوید و بیش از همه در جهت فریب توده ها میکوشد.

استی که وقاحت و بیشرمی سر دما داران رژیم جمهوری اسلامی جدو حصری ندارد.

تشریفات بدون پروانده انتشار غیر قانونی اند و فروشندگان آنها ۴ تا ۵ ماه زندانی میشوند و مابقی قسرا زندان قانون دامن هر روزنامه های را بگیرد آن وقت مساله شکل دیگری به خود میگیرد.

نشریه فدای آزادی که زیر بار سانسور رژیم جمهوری اسلامی نمیرفت و روزنامه های دولتی نبود توقیف شد، با وجود آنکه پروانده انتشار هم داشت.

اما نشر غیر قانونی روزنامه منافق که دائماً علیه نیروهای انقلابی بهانوا ع دروغها و فریبکاریها دست

میزند و از این باب دست نیست جمهوری اسلامی و صبح آزادگان

را هم از پشت بسته است ذره ای رژیم را ناراحت نمیکند زیرا از نظر دستان انقلاب "درش"

ممنوعیت انتشار نشریات کمونیستی نشانه ترس حکومت است!

● رفیق تقی شهرام، پایداری در قبال دسیسه‌های حکومت!

دادگاه‌های انقلاب صلاحیت محاکمه

زندانیان سیاسی را ندارند!

همان معیار طبقاتی که بر سر
طلا ارزش میگذارد میسجد
حکومتگرانی که در برنا مه‌ها
یشان، قبل از قیام وعده داده
بودند که جمهوری اسلامی زندان
نی سیاسی نخواهد داشت، علاوه
بر مردها نفر انقلابیون و کمو -
نیستها که به بند کشیده اند، ما
همهاست رفیق شهرام را در زندان
انهای آریا مهری گرفتار
کرده اند.

در این مدت شهرام در بد
ترین شرایط روحی و جسمی بسر
برده است. ماها زندگی در
سلولهای انفرادی و بی خوری
از اوضاع و احوال اجتماعی
و خانوادگی، از عوارض عدل
جمهوری اسلامی برای رفیق
بوده است و در این مدت
به هیچ عنوان به او اجازه
ملاقات ننمیدادند. در تمام
این مدت عناصردور رژیم
جمهوری اسلامی و عناصر و ا -
کی که اکنون در خدمت رژیم
جمهوری اسلامی به سر میبرند
چون محمد رضا کریمی اورا تحت
فشار و انواع شکنجه روحی و
روانی گذارده اند.

رژیم برای بهره برداری
تبلیغاتی از محاکمه رفیق
از هیچ پستی و دانشی فرو
گذاری نکرده است. از جمله
اینکه، حدود دو ماه پیش است
الله قدوسی دادستان کل
انقلاب اسلامی به شیوه آریا -

رفیق تقی شهرام، مبارز
انقلابی سالهای سیاه رژیم
پهلوی اینک در همان زندان -
نهای آریا مهری که در گذشته
بزه بند کشیده شده بود، با
زندانیان و شکنجه گرانی در
هیئت اسلامی گرفتار آمده است
و ماها زجر، شکنجه، رفتار غیر
انسانی، نداشتن اجازه
دیدار با خانواده و آشنایان
را، با خطر خلق و در راه آرما -
نهای خلق تحمل میکند.

ماهاست که نیروهای
انقلابی و کمونیست، در باره
شهرام، علل دستگیری او و اینکه
چرا با بد آزاد شود سخن
میکویند. آنها فریاد میزنند:
"رفیق شهرام را آزاد کنید!
ساواکی ها و عمال رژیم شاه را
که در اینجا و آنجا بکارگزاران
حکومتی تبدیل شده اند به
محاکمه بکشید!" و سرانجام،
سر از ماها تلاش و پیگیری
نیروهای انقلابی، قدوسی،
دادستان انقلاب، تاریک
محاکمه رفیق شهرام را اعلام
کرده است! آنها درست در زمان
نی که حمله به مجاهدین خلق
رسمی شده، و درست در جهت
کوبیدن مجاهدین و نیروهای
انقلابی، عدل اسلامی حکو -
متگران جدید، با فشار و
مشتاقی انداز گیری میشود.
ترازویی که عدالت را بسا

مهری در سلول انفرادی

تقی شهرام را ملاقات نکرد
و از او میخواهد علیه نیروهای
انقلابی بویژه مجاهدین خلق
دست به تبلیغ و به اصطلاح افشا
گری بزند. قدوسی در مقابل
شهرام یک دوراهی قرار
میدهد و میگوید: "در این
موقعیت ما را کمک کن و علیه
مجاهدین خلق دست به تحلیل
و افشاگری بزن. چون از زبان
شما مردم بهتر باور میکنند،
در این صورت ما تقاضای بیژانت
تورا از امام خواهیم کرد و ر
غیر این صورت اعدام تو حتمی
است!"

همه کسانی که در سالهای
سیاه رژیم پهلوی در زندانهای
آریا مهری و از جمله هیئت
زندانیان در بند بودند،
بوی آشنای این کلام بمشان
مشان میرسد. در غیبتشان
آریا مهری نیز با زندانیان
از این محاکمه ها پیوسته
میکردند. اما پاسخ انقلابیون
همیشه نه بود. رفیق شهرام
این بار نیز در مقابل این
درخواست و تهدید نهاد انقلابی
که بارها به اشکال گوناگون
بخصوص در زمانهای فراندوم
با انتخابات و گاه به همسرا -
محنه های اعدام نمایشی
همچنان مقاومت میثما بدر می
سرخ را بر خیانت به انقلاب

ترجیح میدهد.

شهرام در سلول دربار
این ملاقات برای یکی از
همزنجیرانش مینویسد: "ما
آموخته ایم که با ساد به میریم
و هرگز در اصول خود سازش نکنیم
من هرگز در دفاع از انقلاب
و آرمانهای انقلابی ام ذره ای
تردید نشان نخواهم داد و هر
آینده باندهای سیاه و مرجع
فعال در دادستانی در توطئه
خود که ریختن خون من جزئی از
آن است موفق گردند، همچنان
استوار با بری افراتنه و لسی
خندان سرب مذاب را بید بسرا
خواهم شد. آری این رسم ماست
که ایستاده بمیریم."

ارتجاع جاقوی با اصطلاح
عدالت خویش را تیر کرده است و
رفیق شهرام همچنان در مقابل
فشارها و توطئه های رژیم و عنک
هر مزدوران در زندان مقاومت
میکند.

هم میهنان ما روز!
بشتیانی از همه زندا -
نیان سیاسی از وظایفی چون
و چرای هر فرد آزاده ای است
با تمام قوا، از آزادی رفیق
شهرام بشتیانی کرده و با
افشای بلاهایی که رژیم جمهو
ری اسلامی بر سر شهرام آورده
است، از فشار "عدم صلاحیت
دادگاههای انقلاب اسلامی در
محاکمه شهرام و همه زندانیان
سیاسی" بشتیانی کنیم! *

☆ رفقا و هواداران!

در تکثیر و پخش منرجه و سبستر

پیک رزمندگان

بگوشید!

زندانیانی سیاسی آزاد باید گردد!

اعتصاب خونین ...

بعد شهر در حکومت نظامی و خفقان فرو رفته بود.

آری، کارگران مبارزه - شان را به خیابانها گشاده بود - دند و هر کج و خیار با نی، به سنگر خلق در مقابل دشمن بدل شده بود. وحشت رژیم را فرا گرفت، و مزدوران مسلح بجان مردم افتادند. کارخانه ها و خیابانهای اطراف آن سنگر و محنه جنگ شد و سینه های زحمتکشان به مصاف با گلوله های آتشین رفت. کارگران قدرت خود را به نمایش گذاشتند و پشت رژیم سرما به داری وابسته به امپریالیسم شاه خائن و مأموران و مزدورانش به لرزه افتاد.

اما جزایان چه بود؟ در ماه تیر آن سال وقتی که سودویزه که بخشی از مزد حذف شده کارگران استوعطیه آریا مهری و انمود میشد، به کارگران میدادند. کارگران دیدند به جای مزد ۷۵ روزتضایه اندازه ۴۵ روز حقوق، سودویزه آنها پرداخت شده است. همین موضوع ناراضی شدیدی در میان کارگران برانگیخت و کارگران که بر سر طرح طبقه بندی مشاغل و دیگر اعمال ضد کارگری مدبر - ان کارخانه دل خوشی از کار - فرماندا شتند پیش از پیش خشمگین شده دست به اعتراض زدند. اما جواب رد شنیدند. دست به دامن وزارت کار شدند. نماینده وزارت کار طبق معمول طرف کارفرما گرفت. اما کارگران دست برنداشتند. اعتراض ادا می یافت و نماینده ساواک مازندران به کارخانه

آمد، اول به طاق رئیس کارخانه رفت و بعد به میان کارگران آمد و گفت "اطلاً حق شما همین بود!! کارگری به این مزدور خود فروش گفت "حتماً تو هم پیسی گرفته ای که حق به جانب کارفرما میدی.؟! "

اعتراض با زهم ادا می یافت و اعتصاب آغاز شد. ساعت ۱/۵ روز ۷ تیر که کارگران قدرت خود را به نمایش گذاشتند و تمام بستکاهای کارخانه را خوابانند. این بار نبوت زعمای قوم بود که دست به دامن کارگران شوند. مدیرکل اداره کار مازندران آمد و شروع به سخنرانی کرد. اما جرفش و فریاد اعتراض کارگران چیزی نشنید. او حتی نتوانست سخنرانی کند! کارگران شیفتهای صبح و شب به نبوت اعتصاب را پایداری کرده و به پشت بستند تحویل میدادند.

فرمای آن روز در زمان تعویض پست اول و دوم رئیس شهر بانی و مزدوران مسلح وارد کارخانه شدند و میخواستند مانع ورود کارگران پست دوم شوند اما کارگران با زور و فشار وارد کارخانه شدند. و مأموران با باتوم به کارگران حمله ور شدند. اما کارگران خشمگین با سنگ و هر چه که به دستشان میرسید مقاومت میکردند. رئیس شهر بانی از متفرق کردن کارگران عاجز ماند. شهر بانی ساری، ژاندارمری استان، یادگان ژاندارمری نیز گاه به کمک آمدند. شاه مزدوران را برای حمله

به کارگران یک کاسه کرد. اما از طرف دیگر دانشجویان دانش آموزان، انقلابیون و کم - نیست های قائم شهر، ساری، و بابل هم خود را به در کارخانه رساندند و در اردوی کارگران قرار گرفتند. مبارزه به خیابانهای شهر گشاده شد و متعدد - بن کارگران به پشتیبانی آمدند. زمان تعویض پست شب با پست دوم زمان درگیری و زده خورد کارگران و مردم شهر از یک طرف و مأموران و مزدوران رژیم شاه خائن از سوی دیگر بود. جنگ تا نیمه های شب در سراسر شهر ادامه یافت. اما تعداد شهدا و زخمی ها هنوز هم معلوم نشده است رژیم شاه جنایات خود را با پرده ای سیاه می پوشاند و پرده ای که خلق ما با مبارزات خود آنرا از هم درید. بعد از پایان درگیری کارخانه به مدت یک هفته تعطیل شد. تعداد زیادی از کارگران پیشرو و مبارزان کارخانه اخراج و اشتگیر شدند. و بقیه نیز با دامن تبعید سرکار برگشتند. این خیرا اعتصاب تا دورترین نقاط کشور پیچید. کارگران چیست سازی به شهر و کونی باقی قائم شهر حمایت خود را از کارگران اعتصابی کارخانه اعلام کردند شرح دقیق جریانات شبانه توسط دانشجویان در چندین نسخه نوشته شد و در ویدئو و پاور دانتگاها زده و در کج و محلات پخش شد. دانش آموزان ساری دست به تظاهرات خیابانی زدند. و خاطره اعتصاب خولپس کارگران نساجی شماره ۲ جا - ودانه ماند!

خطاب به

رفقا و هواداران!

دوستان و رفقای عزیز! از راه دور دست شما را می فشاریم و از صمیمیت و محبت شما تشکر میکنیم. از زمانی که نشریه "پیک رزمندگان" منتشر میشود هفته ای نبوده که سیل اخبار و گزارشات شما از مبارزات و مقاومتات دور و برتان ما را غرق در خوشحالی نگردانند. ما یک یک این گزارشات را به دقت میخوانیم و از مطالب مبارزه - اتی خلقها بمان جان تازه ای میگیریم.

اما تعداد صفحات نشریه ما محدود است. و ما امکان چاپ تمام این گزارشات و اخبار را نداریم و مجبوریم به وظیفه دشوار انتخاب آنها دست بزنیم و سعی کنیم که هر هفته مهمترین این اخبار مبارزاتی - زحمتکشان را انتخاب کرده و چاپ کنیم. از اینکه همه خبرهایتان در نشریه چاپ نمیشود ما را غلی سوزنش نکنید. نشریه متعلق به شماست و بدون اخبار و گزارشات شما جان و قدرت خود را دست میدهد ما با زهم بیشتر از پیش به گزارشات و اخبار، اشعار، داستانها، عکسها و نقاشی های شما احتیاج داریم. در بهترین کردن نشریه برای دیگر رفقا - یان و برای کارگران و زحمتکشان و خلقهای سراسر ایران ما را یاری کنید.

پنجمین سالگرد اعتصاب کارگران نساجی قائم شهر گرامی باد!

سرکوب پیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

گروگان گیری کارگران ساختمانی برای جلوگیری از تعطیل کارگاه!

کارگران ساختمانی شرکت گسترش مسکن برای جلوگیری از تعطیل کارخانه، مجبور به گروگان گیری چهارروزه، مشغولین شدند و سرانجام با قبول و قرارهایی که شنیدند، گروگانها را روز ۲۲ خرداد آزاد کردند، اما از قول و قرارها هنوز خبری نیست!

جریان از این قرار است که کارگران ساختمانی شرکت گسترش مسکن که یک شرکت پیمانکاری در ۵ کیلومتری اصفهان است از مدتها قبل - حدود یکماه و نیم پیش - درگیر مبالغه های برای گرفتن حق و حقوق شان از شرکت هستند و حقوق و مزایای ۴۵ روزشان را میخواهند. با وجود آنکه اکثریت کارگران این شرکت رو - ستایی بوده و از آگاهی زیاد برخوردار نیستند اما به علت آنکه در مبارزات گذشته شان توانسته اند خواسته های بحق خود را از سرمایه داران بگیرند از اتحاد دو پیگیری و قدرت متحد خود درک درستی دارند.

از یک ماه و نیم پیش آنها حقوق عقب افتاده شان را از پیمانکار شرکت میخواهند و لی پیمانکار که از دزدان زمان رژیم شاه سابق بوده و میلیونها تومان از قبل دست رنج کارگران به جیب زده است مان تسویه حساب کارگران با حک عنا صر خدا را گردون شرکت قرار بر قرار ترجیح داد.

کارگران زمانی خواستشان مع میشود که می بینند کلاه سرافراشته و از پیمانکار خبری نیست! اما کارگران از ۴۵ روز و حقوق خود دست نمیکشند و وسط شورای خود قاضیه را دنبال میکنند، و قرار میشود که شرکت بیل را پرداخت نماید مسئولین بکت هزار و یک دلیل میآورند: "شرکت پولی در بساط ندارد" "ما قبضی به امضاء شرکت

به شما میدهیم وقتی خواستید تسویه حساب کنید (آخرا ر) این پول را هم آنوقت به شما پرداخت خواهیم کرد... که خلاصه کارگران زیر بار هیچیک از این حرفها که دروغ بودندشان از همان اول هم معلوم نبود نمیروند و باز هم شورای خود را دنبال خواسته های خود میفرستند. در اینجا باید اشاره کنیم که علیرغم وجود یکی دو نفر کارگر آگاه که عضو شورا هستند شورا بیشتر تامل دارد که میارزات را از کانال قانونی در چهارچوب قوانین موجود و پشت میز مذاکره پیش ببرند. و نه با انکار به بازوی توانای کارگران و قدرت متحدان آنها! و همانطور که خواهیم دید این مساله موجب میشود که مبارزات کارگران نیمه تمام مانده و گروگانها بدون مفاومتی آزاد شوند.

خلاصه در زمان این دست و آن دست کردن روسای شرکت روز ۱۹ خرداد و نفر از طرف شرکت نفت آمده و به ظاهر میآیند تا به کارهایی که تا بحال پیش رفته نظرارت کنند اما هنوز - عتی از توقفشان در شرکت نمی گذرد که تلفنی با شخصی در شرکت نفت تماس میگیرند و اطلاع میدهند "وضع شرکت وخیم است کارها خوب پیش نمیرود و باید بستی شرکت را خوب باند." وبعد از یک دعوی لفظی با مشغولین شرکت با کاراد حفاظتسی (۱۹) شرکت نفت بر میگردند تا شرکت را بخوابانند اما قصد بستن شرکت همان وبه گروگان گرفته شدن این نوکران سر - مایه همان! خبر به گوش کارگران رسیده و کارگران که متوجه قضیه میشوند، این دو نفر را دستگیر میکنند. فریادها - یته شرکت به آسمان میروند که تو را به خدا مرا نکشد! و خیال میکنند که کارگران همانجا اورا به سزای اعمال گنیش خواهند

رساند. بهر حال از آن زمان تا سه روز این دو نفر در دست کار - گران اسیر میشوند. این عمل روحیه مبارزاتی تازه ای در کارگران ایجاد میکند. فوراً لیست انتخابی از داوطلبان کشیک شب تهیه میشود و کارگران با شور و شوق فراوان اسامی نویسی میکنند، تا بتوانند از حمله احتمالی جماعداران سر - مایه جلوگیری کنند و بقیه جلوی خوابگاه و بنهار خسوری شرکت فرا خوانده میشوند. در اینجا افراد شورا که علیرغم، فرا خواندن کارگران به مبارزه علیه تعطیل کارخانه، در جریان کارگران گیری - کد یک حرکت خود بخودی بود - شرکت نداشتند سعی میکنند رهبری جریان را در دست بگیرند و بعد از تقسیم بندی کارگران در گروههای ۸ نفری برای کشیک دادن، شروع به افشاگری و تهییج کارگران میکنند. آنچه در تمام این مدت کوتاه چشم گیر بود، نظم پذیری و انضباط کارگران است و اینکه با چه شور و شوق فراوانی در یک کار دسته جمعی اصل تقسیم کار و پیشبرد کار را درک میکنند و با چه احساس مسئولیتی آن را انجام میدهند!

در دومین روز گروگان گیری، نمایندگان به کارگیران میگویند "به سرکار برویم ولی به حالت آماده باش خوا - هیم بود تا هر آن که احتیاج به کمک بوده همگی حی و حاضریم - شیم." کارگران با وجود آنکه شب تا صبح را خوابیده بودند با شور و شوق به سرکارشان میروند. بعد از ظهر همان روز عوامل کارفرما به کارگران میگویند "جمع شوید می خواهیم برای تان صحبت کنیم" تمام کارگران بعد از ساعت کار در نقطه ای جمع میشوند اما از رئیس و روسا خبری نیست کار -

گران عصبانی میشوند و به جلو دفتر رئیس کارگاه میروند و ر آنجا شروع به اعتراض میکنند، که چرا ما را زیر آفتاب جمع میکنید و خودتان در اتاقهای خنک کولردار نشسته اید! خلاصه یکی از نمایندگان شورا و یکی از مهندسين شرکت که مانند بسیاری از نوکران کارفرمایان وظیفه و رسالت سازش بین کارگر و کارفرما را دارد، به میان کارگران آمده و شروع به صحبت میکنند، نرم و آرام و مانند همه ساز - شکاران و زورمندان - البته زمانی که کارگران متشککند و عمل متحدی را دنبال میکنند! و از آنان میخواهد که گروگانها را رها کرده و مذاکره کنند و بعد به کارگران میگویند که چون شب قبل خسته (!) شده اند به خانه های شان بروند و تنها نماینده های شان کارشان را دنبال کنند. یکی از نمایندگان شورا هم صحبت میکند اما حرفش همان معنی حرف مهندس را میدهد.

گرچه بعضی از کارگران بطور پراکنده شروع به اعتراض میکنند اما سرانجام اصل مذاکره پذیرفته میشود و مذاکره نمایندگان شورا و رئیس شرکت از همان بعد از ظهر آغاز میشود. بعد از ۲ روز مذاکره ۲۲ خرداد نمایندگان با مشغولین شرکت به توافق میرسند که در شرایط کنونی گروگان گیری صحیح نیست و رئیس شرکت برای قضیه حقوقهای پرداخت نشده به تهران تلفن میزند و لی رئیس کل شرکت جواب میدهد "تا وقتی گروگانها آزاد نشوند هیچگونه حرفی در مورد حق و حقوق کارگران مجاز نیست!" و البته بعد از آزادی گروگانها هم دلیلی برای مذاکره در جهت خواسته های کارگران در دست نمیماند و قول و قرارها همه فرا موش میشود. و هنوز هم جواب شفاهی به کارگران داده نشده است!

باشعله‌های نفرت درسوگ مرگ رنجبر!

نام: نور محمد زندی نیا .
سن : ۶۰ ساله
شغل : کارگر قسمت سنگ
شکن شهرک اکباتان
علت مرگ : سقوط از سقف
یک بلوک ساختمانی .
تاریخ فوت : ۵۹/۳/۲۷
این برگه را نیز ببینید
میلیون ها برگه جنایات
پایان ناپذیر نظام سرما به دار
ری اضافه کنید! و داستان
تنگین ، هولناک ، تکان دهنده
ولی کوتاه این فاجعه دردآور
انزیمها طربسپارید و قلب
هایتان را کینه توزانه از نفرت
تی بی انتها نسبت به دشمنان
طبقه کارگر آکنده سازید!
کارگری دوتا شده از رنج ،
صبح روز حادثه ، مثل همیشه
بالای دستگاه سنگ شکن می‌رود .

دستگاه هیچ وسیله ایمنی
ندارد . دستگاه فاقد حفاظ
سیمی است . کارگر ، یادستان
پینه بسته اش ، تمام سختی کار را
برشانه های نحیفش میگذارد و
مثل همیشه ، همدوش با خطر مرگ
کار را آغاز میکند . کارگر ۶۰
سال دارد ، پیر مرد پنجاه سال
- آری نیم قرن - تمام می
سنگینی نفس گیر کوله بارستم
"سرما به" را بریندبند استخوان
ان هایش حس کرده است و اینک
تمام اندام نحیفش ، خمود
تجسم رنج است ، تجسم فقر ،
تجسم غارت ، تجسم شکنجه
و تجسم جنایت! او هر لحظه که
کار میکند ، هر لحظه که جان میدهد
تمام دناات و پلیدی سرما به
رأبه نمایش میگذارد و امروز

- روز حادثه - بویژه چه واقعه
هولناکی در جریان است!
پیر مرد ، از فراز سنگ
شکن بر روی سسمه تقاله سقوط
میکند و بر زمین پخش میشود .
کارگران سراسیمه جمع
میشوند ، آری ، رفیقی از ارد
دوی کارگران ، صحنه ای از سر
نوشت احتمالی آنان را به
نمایش گذاشته است!
کارگران نعره رقیقشان
را به بیمارستان شماره ۲ تا -
مین اجتماعی میرسانند ، به
پایگاه بی در و پیکر آسیب
دیدگان سرما به ، اینجا ما وای
قریبان گرگ های خون آشام
سرما به داری است ، اینجا چهره
خون آلود نظام استثمارگران
بر گونه های زرد همسگران

کارگران ، درسرفه های غرو -
شده ، فرزندان خردسال و
نحیف زحمتکشان و در استخوان
ان های شکسته و انگشتان برید
کارگران ، غربا نتر از همیشه
بچشم میخورد .
گویا پزشک جمهوری اسلامی
برای "سرفه جویی" در "بود -
جه" ی حکومتگران حامی سرما -
به ، از عکس برداری منفری
پیر مرد خودداری میکند ، شاید
هم میانید که پیر مرد عموش
را کرده و با توجه به ارتش عظیم
بیکاران ، دیگر به وجود او
احتیاجی نیست! آری ، خیال
بیکران گرسنگان بسرعت جای
او را خواهند گرفت!
پزشک ، پیر مرد را به همان
سرعتی معاینه میکند که حقو ق
ما هیا نه اش "حلال" شود و آنگاه
او را مرخص میکند!
نعرش کارگر را به خانه
میرسانند و ساعتی بعد ، قلب
رنجوری که بیش از نیم قرن ،
برای پر کردن جیب مشتکی
سرما به دار ، طپیده بود ، از کار
باز میماند .
آری ، برگه ای بر میلیونها
برگه ، جنایت سرما به داران سر
اسرجهان اضافه میشود ، شهرک
اکباتان در ماتم فرو میرود .
کارگران به سوگ میشینند و
مسئولین بسرعت اطراف محل
او را حفاظ سیمی میکنند ، تا
مرگ جانگداز و جنایتکارانه
قهرمان داستان ما ، بخوبی و
خوشی و منطق با قوانین
"عادلانه" ی حکومت سرما به
داران قلمداد شود .
آری ، کوردلان چنین
میبندارند که اگر مرگ او با
قوانینشان منطبق گردد ،
از لهیب شعله های خشم
کارگرانی که میروند تا جهان
سرما به را بسوزانند در آستان
خواهند بود! اما زهی خیال
باطل!

بولدوزها و پاسداران در مقابل بازحمتکشان آلونک نشین!

حدودش مابعد از انقلاب
عده ای با لباس های پاره و
کثیف و با دست خالی در مقابل
رک بعثت خیابان بخارایی
(خزانة فوج آبا د سابق) شروع
به خانه سازی کردند ، آنها با
حلب شیر وانی و تکه پاره های
ماشین اسقاطی و قوطی حلب
روغن نباتی آلونکی برای
خود سرهم کردند . مردم محل
که از درد و رنج آنها خبردار
بودند از آمدن این زحمتکشان
استقبال کرده و برایشان آب
ویخ و گاهی اوقات غذای
گرم میبردند .
چند ماه از این جریان
گذشت که سروکله کمیته چی ها
پیدا شد : آنها به ما حیوان الو -
نگ میگفتند شما فدائیانقلاب

هستید و برای بردن آبیرو
انقلاب در چنین جای زندگی
میکنید و در میل مرد محل تبلیغ
میکردند که اینها در شمال شهر
خانه دارند و میلیونها برای
از زمین بردن اینجا به ایسن
محل آمدند ، آنها کشیفتند مگس
جمع میکنند و بچه های شمارا مر
یض میکنند ، اما مردم محل قبو
ل نکردند ، آنها بچشم خودشان
میدیدند که آنها هیچ چیزی
برای خوردن و زندگی کردن ند
ارند و خودشان هر کدام دهها
بچه قد و نیمقد دارند آخر
چطور میشود آنها شمال شهری
باشند؟!
سرانجام یک روز عده ای
از طرف شهرداری و کمیته آمدند
تا این کپرها را خراب کنند و

از مردم میخواهند که جلوی
بیفتند ، ولی مردم زیر بار
این کار نرفتند ، آنها کوشیدند
تا با جمع کردن امضاء و درست
کردن طومار مردم را وادارند
تا کپرنشینان را مزاحم زند -
کی خود اعلام کنند ، ولی باز هم
موفق نشدند .
بالاخره در تاریخ ۲۴ خرداد
رژیم جمهوری اسلامی این حال
می واقعی سرما به داران بو -
سیله کمیته چی ها ، عناصر سر
شهرداری و ۲ بلدوزر وارد معر
که میشود در عرض چند ساعت
اثری از آلونک ها باقی نمیم
اند ، این بار به مردم محل
میگویند اینجا پارک میشود و
خودتان استفاده خواهید کرد!
✽ ✽ ✽

برقرار باد جمه - وری دمکراتیک خلق!

خلق می خروشد، رژیم قربانیان جدید می طلبد!

درباره اعدام دکتر نریمی و مهادی علوی شوشتری

ما به جرم افشای یک ساواکی که برادرش از روحانیون نفوذ اهو است (شیخ کرمی) روز دوم اردیبهشت در محفل کار خود دستگیر می شود و از همه به موقع حکم اعدام او صادر می گردد و او را در کنار یک دانشجوی انقلابی جریسان دانشگاه اهواز مهدی علوی شوشتری به جرم شرکت در حواله دت دانشگاه به اعدام محکوم کرده و به شهادت میرسانند.

آری مجازات مبارزه با ساواکی هایی که برادرشان آدم با نفوذی در جمهوری اسلامی باشد مرگ است. مرگی پنهانی و با جرائمی دورغین. اما در پیشگاه خلق قهرمان مادکتر نریمی، مهدی علوی شوشتری و سایر شهدا و دستگیر شدگان حوادث دانشگاه فرزندان دلیری هستند که خوششان روشن کننده راه ادا ما انقلاب خلقهای قهرمان ایران است. تنگ و نفرت برای قاتلین دلیرترین فرزندان خلق باد.

نریمی سا تنها و تنها مبارزه علیه یکی از مزدوران ساواک بوده که این برادرش از روحانیون با نفوذ اهو است. دست دکتر نریمی سادر حین خدمت در سونگرد با یکی از مزدوران ساواک درگیری پیدا می کند و حتی اقدام به دستگیری وی نیز می شود ولی دکتر نریمی سادر به کمک مردم موفق به فرار شده و در تهران مخفیانه کار مشغول می شود. اما وقتی پس از قیام به سونگرد باز می گردد تا مجدداً به طبابت بپردازد، شخصی ساواکی را در کمیته آنجا می بیند و دست به افشای او می زند و وقتی او را از کمیته اخراج می کنند اما دکتر نریمی

قلب تهران دست از کار کشید و جزیما ران اورژانس کسی را نپذیرفتند پزشکیان حین تخصص بیمارانستهای تهران در یک گروه آبی قطعنامه ای صادر کردند و کارتون دستیاران تهران همراه با دیگر همکاران دکتر نریمی سادر پذیرش فعالانه در افشای جنایت رژیم می کند. کارتون دستیاران تهران مدتها قبل کوشش کرده که حداقل رژیم را به محاکمه تلنی نریمی ساواکار دولی رژیم بدون محاکمه و بطور مخفی و بدون هیچگونه دفاعی دکتر نریمی سادر و مهدی علوی شوشتری را به حواله اعدام سپرد. در این میان حرم دکنر

دستهای رژیم جمهوری اسلامی یکبار دیگر بدخون دلیرین بین فرزندان خلق آغشته شده است. دکتر نریمی سادر را به مهدی علوی شوشتری دانشجوی رشته ریاضی دانشگاه اهواز به جرم "موضعگیری در مقابل جمهوری اسلامی" روز ششم تیر - ماه به حواله اعدام سپرده شد. نام آنها را در میان عر زبانی غیر سیاسی اعلام کرده بود. دندودر تلویزیون اهواز دکتر نریمی سادر را به نام دکتر "پریم" خواندند تا جنایت شان هر چه بیشتر از چشم خلق قهرمان ایران پنهان بماند. اما حقیقت آشکارا رگشته مبارزات همکاران دکتر نریمی سادر و بعد از اعدام دکتر و مهدی علوی شوشتری و افشاکری های نریمی و های انقلابی و کمونیست اجازت نداد که جنایات رژیم پنهان باشد و خون سرخ این فرزندان دلیر بر سر آرد. پزشکان اهواز را اعتصاب کردند و دستیاران بیمارستان

بقیه از صفحه ۱

خطاب به

تحت حمله قرار می دهی جازده فعالیت رسمی و قانونی می خور اهدون در بنا فاین "اجازه نامه" فعالیت هایش را تعطیل کرده است. مجاهد چاپ نمی شود و دفاتر علنی سازمان مجاهد بن بستنده است! ما از مجاهدین خلق جواب منطقی می خواهیم! چرا تا اعلام رسمی مقامات بخش مهمی از فعالیت شما با یدموقوف شود؟ چرا حقوقی را که خلق سادسه خاطر آزادی خواهی و دموکراسی طلبی هیات حاکمه کنونی بلکه به قیمت خون هزاران شهید بدست آورده اند با بدراحتی

از دست داد و آبرو از هیات حاکم کدایی کرد؟ آیا این رژیم جمهوری اسلامی است که به نیروهای انقلابی امکان چاپ و ارائه و توزیع نظرات خود و فعالیت انقلابی را داده است یا مبارزات خونین خلفهای قهرمان ایران؟ مکرایی همین جمهوری اسلامی نیست که با انتشار یک اطلاعیه، همه مطبوعات و نیروهای انقلابی را توقیف کرد؟ و مکر همه آن روزنامه ها، با پشتیبانی بخش های آگاه خلق به انتشار خود ادا می دادند؟ اگر بشوایان کار و فعالیت مبارزاتی نیروهای انقلابی و کمونیست، پشتیبانی توده ها و خلفهای قهرمان ایران از این نیروهاست چرا ما باید از هیات حاکمه بخواهیم که ما را به

رسمیت بشناسند. تنها کسانی کدباید ما را به رسمیت بشناسند و در میان خود بپذیرند توده ها، کارگران و زحمتکشان هستند و اتفاقاً روز به روز کسانی را که توده ها بیشتر می پذیرند و به رسمیت می شناسند از نظر هیات حاکمه بیشتر و بیشتر "فدا انقلابی" قلمداد می شوند! چرا که روز به روز در رویی منافع رژیم جمهوری اسلامی و توده ها بیشتر و بیشتر می گردد. اما سازمان مجاهدین خلق که چندی است راه مفاشات و سازش با هیات حاکمه و بخصوص بنی مدر و جناح بورژوازی آن در پیش گرفته است هنوز هم چنین می بیند ار که با اتکا به سکوت مملحتی آنها، بهتر است خود را یک مخالف قانونی جلوه دهد! سازمان مجاهدین خلق که مدتهاست از منافع توده ها در

مقابل هیات حاکمه چشم پوشی میکند و بجای روشن کردن مسائل آرمان های سیاسی خود با منافع رژیم جمهوری اسلامی سعی در آشتی دادن اینها دارد و با انتقادات پاره پاره به این بی آن عملکرد هیات حاکمه ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را از دیدگاه هواداران خود پنهان میکند، اینبار نیز بجای عکس العملی انقلابی در مقابل چنین حملاتی به سیاست مظلوم نمایی متوسل شده و بیش از یک هفته است که ما شاهد تعطیل "مجاهد" و دفاتر علنی آن هستیم!

سازمان مجاهدین خلق در این دوران که میبایست در مقابل تمامی این حملات با توضیح ماهیت این حملات برای هواداران

بقیه در صفحه ۱۰

اعدام انقلابیون لکه ننگ دیگری بر دامان جمهوری اسلامی!

باز هم حجاب مساله روز شده است یا بهتر بگوئیم آنرا مساله روز کرده اند! رژیم در اوج ناتوانی و در پاسخگویی به مسائل و مشکلات و خواسته های توده ها،

انقلابی انجمن های اسلامی دانشجویی پشتیبانی نمیکرد و برای اعمال ضد انقلابی حکومت صحنه میگذارد، همدست امیر - یالیم و فاسدو د! اینان نه قمدشان از بین بردن فساد -

و روشنفکر را به کاروان شهدای راه آزادی، اهداء کرده است. زنان ما، سالهای سال، در زندانها، شکنجه گاهها و جو - خه های اعدام، در عمل برابری خویش را با مردان به اثبات

با بیان دادن به فرهنگ منحط جوامع سرمایه داری یا بحد نظام سرمایه داری وابسته اند بود کرده و زنان بعنوان بخشی مهم از جامعه، چون تمام می اقشار و طبقات با آموزش

پوشش اسلامی

بردهای بروی مشکلات رژیم!

چون گذشته به ایجا دجوشه هیچ دست زده است تا به این وسیله توده ها را بسیج کرده و برای مدتی هم که شده مسائل و مشکلات خویش را از نظر توده ها دور گرداند.

بر خورد رژیم حاکم کنونی، به مساله زن، علاوه بر جنبه طبقاتی خویش، از یک خصوصیت فوق ارتجاعی و واپسگرایانه برخوردار است. اینها حقوقی را که حتی بوزو وازی نیز به زنان میدهد، از قبیل امکان قضاوت، امکان رئیس جمهور شدن، استفاده از حقوق یکسان در مورد ازدواج و طلاق یا مرد را از زنان باز پس گرفته اند و صدها حقوق دیگر را که در جامعه سرمایه داری همه رسمیت شناخته شده است، زیر پا گذاشته اند! آنها با هر چیزی که از آن، هویتی از آزادی زن پشام رسد مخالف اند. آنها بر مظلومیت و فساد سرمایه دارانها معینه انگشت میگذارند! ما راه حلش را به چانه زن، میان پارچه و پوشیدن لباس آستین بلند است! آنان چادر و روسری را مانع و سد در مقابل اشاعه، فساد میپندارند و با اندیشه های قرون وسطایی خود چینی و انموده میکنند که رنی که طبق استانداردهای آنان لباس نباشد فاحشه و رواج ده شده، فساد است! همچنانکه در دانه شگاه هر کسی که از ترهای ضد

های جوامع سرمایه داری بلکه برگرداندن زنان به قرون وسطا و دور کردن نیم می از جمعیت ایران از عرصه اجتماع است. آنها که میدانند تعداد زیادی از زنان زیر بار این زورگویی شرفته و از دست دادن شغل خود را به گردن نهادن به چنین اجبار قرون وسطایی ترجیح میدهند، با رضایت کامل احکام خود را صادر میکنند تا شاید از دست عده ای از کارمند ان معترض راحت شوند!

عمل آنها در جهت نابودی فساد نیست بلکه فساد را در پیره و پوشیده میخواهند! آنها فقط میخواهند ظاهراً قضا یا را حفظ کنند! مگر آن موقع که چادر بر سر تمامی زنان بود فحشا و فساد رواج نداشت؟ اما مرتجعین به این مساله کاری ندارند. آنها به این مساله کاری ندارند که اخراج تعداد نان آور خانوادها خویش اند و با توجه به بیکاری و حشناکی که در جامعه وجود دارد، در واقع خود میتوانند زمینه اشاعه، فساد و فحشا باشد. آری آنان به تمام این حرفها کاری ندارند و فقط بر زورگویی های ارتجاعی خود پای میفشارند!

زنان ما نسیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل میدهند. انقلاب جوانی ایران صدها سهدرن، از عا می و زحمات

رسانده اند. برابری در مقابل مظلوم اجتماعی و ستم های فرهنگی و قومی! آری! زنان آگاه و میا - رزمیهن ما مدتهاست که نشان داده اند جا معده به دودسته زن و مرد تقسیم نشده است. جا معده به طبقات متخام تقسیم شده است و زنان علاوه بر ستم طبقاتی، از ستم دیگری هم که ناشی از موقعیت نابرابری شان در جامعه است، رنج میبرند. آری زنان باید از ستمهای سرمایه داری و از فساد و فرهنگ انحرافی که جا معده سرمایه داری بر آنها تحمیل میکند رها کردند! ما نه بوسیله تفکرات قرون وسطایی و بیچانده شدن در لایلهای پارچه های رنگارنگ! دشمنی کمونیست ها، مظاهر تولید جا معده سرمایه داری و از جمله فساد و فرهنگ انحرافی بر هیچ کسی پوشیده نیست! اما این دشمنی از موضعی انقلابی بی انجام میگیرند و واپس گراییانه ما داشتن یا نداشتن روسری و چادر را دلیل فساد نمیدانیم ما معتقدیم برای

و رواج فرهنگ انقلابی، خود با تمامی مظاهر منعطف گذشته به مبارزه برخاسته از میدان می جلوه های کثیف سرمایه داری رهایی یابند.

بی شک مبارزه با تبدیل شدن انسان به یک موجود صرفی و مقابل به تفکرات نادرستی که زن را به یک کالا و یک عروسک تزئینی بدل میکند، بخشی از این آموزش فرهنگی خواهد بود. زنان انقلابی و مبارز!

با مقاومت در مقابل این زورگویی و مبارزه با فضای تهدید و ارعابی که حکومت بوجود آورده است، و در عین حال با مرز بندی کامل و جدا کردن مقوف خود از صف آنان که در این مقاومت، ادامه فساد و بقا، فرهنگ منحط سرمایه داران را جستجو میکنند، حقوق و تفکراتیک خود را کسب کنید!

زنان مبارز و قهرمان ایران! هیچگاه در زیر بار زورگویی های حکومت جمهوری اسلامی نخوا - هند رفت! ❷

بقیه از صفحه ۹

جذب کردن از قدرت توده ها و چشم دوختن به قدرت هیات حاکمه است؟ آیا این جز کدایی است - زادی و خودماری از باز ستاندن آن و پای فشردن بر حقوق و دستاوردهای قیام قهرمانانه خلقهای قهرمان ایران است؟

داران خود و تمامی کارگران و زحمتکشان بر شدت فعالیت انقلابی خود بسیار ایداز هیات حاکمه خواسته است که به او اجازه فعالیت دهد. آیا این

بقیه از صفحه ۱۴

بنکه دژ

معنادین بعد از مدتی از عناصر فعال شوراها و بنکه‌ها گشتند. شوراها متخلفین را دستگیر و به سازمانهای سیاسی تحویل میدادند و سازمانهای سیاسی آنها را در مقابل خود مردم محاکمه میکردند. شوراها

میشد و با خود مردم با اسلحه به بنکه‌ها ملحق میشدند. آموزش نظامی جوانان محل در بنکه‌ها هم تحت نظر سازمانهای سیاسی قرار داشت. با توجه به آنچه گفته شد، شوراها و بنکه‌ها ارگانهای خدماتی، دفاعی و حفاظتی بودند و کارهای شهری، شهرداری و نیروهای مسلح را انجام

*** در هر مبارزه، توده‌ای، برای مقاومت، تعرض و تامین مایحتاج زندگی، مردم باید متشکل شوند. بدون سازماندهی و تشکل توده‌ای، هیچ انقلاب و مبارزه‌ای به پیروزی نمیرسد.**

هیچ‌کس وظیفه بالا بردن دانش سیاسی مردم را به عهده داشتند به این صورت که اعضای محل در هفته چند شب در مساجد محل جمع میشدند و نمایندگان سازمانهای سیاسی خلق کرد، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) حزب دمکرات، سازمان چریکها، سازمان پیکار به این جلسات آمده و نظرات خود را بر ای آنان توضیح میدادند و از این طریق آگاهی و دانش سیاسی مردم شهر را بالا برده و مسائل را برایشان روشن میکردند. این موضوع باعث شده است که در کردستان اکثریت قریب به اتفاق مردم به یک گروه یا یک سازمان سیاسی مشخص بپیوندند.

اما وظایف شوراهای بنکه‌ها در زمان جنگ چه بود؟

به محض آنکه خبر آمدن ارتش به نزدیکی شهر اعلام شد مردم برای مقابله به دو دسته تقسیم شدند، قسمتی به جلوی ستون ارتشی رفته و جلوی راه ورودی شهر بست نشیند و عده دیگر خود را آماده دفاع از شهر کرده و بنکه‌ها این دسته دوم را سازمان میدادند، در هر محل به سرعت سنگر بندی شد، در خیابانها راه پندان ایجاد شد و مردم شروع به کنترل عبور و مرور ماشینها نمودند در اینکار مردان، زنان، دختران و پسران پیرها، جوانها حتی بچه‌ها با دستهای کوچک آینده ساز خود سنگر دفاع از دستاوردهای مبارزات توده‌ها را بنا می ساختند. مردم جنگ را جنگ خودشان با ارگانهای سرکوب رژیم میدانستند و وجه خوب فهمیده بودند محلات بمباردی رژیم و خمپاره‌ها و بمبها آنچه را که در کمر کرده بودند بیشتر از پیش برایشان مسلح می ساخت! کار بنکه‌ها در طول جنگ به خوبی نشان داد که دورنگری سازمان

نهای سیاسی کردستان و مردم قهرمان شهر مقاومت حتی یک کذره نیز بیهوده نبوده و بدون بنکه‌ها شهر سبذج حتی یک روز نیز نتوانست این چنین که دیدیم مقاومت و مبارزه کند. در این مدت کار بنکه دو قسمت بود، اول کار نظامی که در راه بطنه با سازمانهای سیاسی و زیر تنظیمات این سازمانها برای پاسداری از محلات و شرکت در جنگ و دستگیری جاسها و تحویل آن به سازمانهای سیاسی در محله محله خود صورت میگرفت و دوم امداد و کمک به مصدومین جنگ و دیگر کارهای خدماتی. در این موارد کار بنکه‌ها به معجزه بیشتر شایسته داشت و قهرمانان بنکه‌ها زیر آتش خمپاره به کمک مجروحین میشتافتند زمانی که محله‌ای هدف خمپاره‌ها یا رتش جمهوری اسلامی قرار میگرفت، در خانه

*** بدون بنکه‌ها شهر سبذج حتی یک روز نیز نمیتوانست این چنین که دیدیم مقاومت و مبارزه کند.**

لیکه تمام مردم و پیشمرگه‌ها سعی میکردند به ساختمانهای دوطبقه و زیرزمین‌ها پناه ببرند ماشینهای امداد بنکه‌ها زیر باران خمپاره‌ها به کمک مصدومین و زخمی‌ها میشتافتند

بقیه از صفحه ۳۴

طبیقاتی، چاره‌ای جز پیرو قاتونی کردن و سرکوب نیروهای انقلابی را ندارد، میتوان اند حتی به سازمان مجاهدین خلق اجازه فعالیت آزاددهد؟ ما میگوئیم هم اینک صف نیرومندی از کارگران و زحمتکشان میهنمان، چنین اجازه‌ای را صادر کرده اند و هر روز نیز تعداد بیشتری از توده‌ها

و چندین نفر از اعضای بنکه‌ها نیز در این کمپورسانی به مردم مجروح شهید شدند. کنار تهیه غذای مردم محل و رساندن آن به پیشمرگه‌ها در سنگر و نیز بنکه‌ها سازمان داده و انجام میدادند.

داستان قهرمانی‌های اعضای بنکه‌ها در جنگ سبذج که دوشا دوش پیشمرگه‌ها و تمامی مردم شهر به مقاومت در مقابل تهاجم ارتش ضد خلقی میبرد. اختنخما سه ایستگاه که سالها در دل خلق کرد و کارگران و زحمتکشان ایران و سراسر جهان باقی خواهند ماند.

این حماسه چیزی نیست که رژیم بتواند حتی خاطره آنرا تحمل کند. آنها سعی میکنند برای اینکه این سازمان توده‌ای، برای خلق‌های قهرمان ایران الگو قرار نگیرد، با شایعه پراکنی، در

*** این چنین که دیدیم مقاومت و مبارزه کند.**

وغ سازی و تهمت‌زنی‌های بیشرمانه به خراب کردن تصویر آن پیردا زندگی از عالیت بین ارگان‌های توده‌ای تاج به فروغ خلقهای قهرمان ایران را با سالوسانه‌ترین روشها از مضمون تهی سازند. ★

بقیه از صفحه ۳۴

به این صف میپیوندند. ما میگوئیم آنچه حکومتها تحجب و به این یورش‌ها میکند، حضور نیرومندی و عیایت فعال توده‌ها، از نیروهای انقلابی است و نیز آنچه تاکنون یورش و گشتار برای کمر بستن و انقلابی را نیست به شوق انداخته است همین حضور نیرومند و همین حمایت فعال توده‌ای است. ★

عقرب زدگی زندانیان سیاسی در زندان مسجد سلیمان!

زندانیان سیاسی مسجد سلیمان که تعدادشان به بیش از ۱۰ نفر میرسد را اعتراض به وضع بد زندان، بازداشت های بی مورد خود دست به اعتصاب غذای کردند. و بعد از ۴ روز اعتصاب غذای شروع کردند. رسیدگی دادستانی به خواسته ها - بیان از روز پنجشنبه ۱۵ خرداد ادبست به اعتصاب غذای خشک زدند. زندانیان دوماه ای به دادگاه انقلاب شهرستان مسجد

سلیمان نوشته اند: "ما زندانیان سیاسی بازداشتگاه سپاه پاسداران مسجد سلیمان بدلائل مختلف پخش و حمل اعلامیه و روزنامه و پلاکاردها دستگیر شده ایم و هم اکنون در شرایط شدیدناهما - عدا بین زندان بسر میبریم (از جمله کمبود آب، گرمای تحمل نا پذیر زندان و کثیف بودن زندان و توالت) ما شدیداً اینگونه تضییقات و فشا -

رهای روحی و روانی و برخورد - دهای بد زندانیان با - زندانیان و بخصوص زندانیان سیاسی ... محکوم کرده و خوا - ستار آزادی فوری و بدون قید و شرط خود هستیم زندان مسجد سلیمان فاقد حداقل وسایل رفاهی از جمله پنکه (با توجه به هوای بسیار گرم خوزستان) آب آشامیدنی و غذای مرتب است و سلب - لها، کوچک و رختخوابها - کثیف و کپنه میباشند و زندانیان سیاسی پس از عقرب زدگی - چندی از رفقا در زندان به اعتصاب غذا دست زدند. در این مدت خانواده های زندانیان نیز سیاسی در محل کار داد -

ستانی انقلاب تحمیل کرده و خوا - ستار آزادی فرزندان شان میگردد در روز شنبه ۱۹ خرداد خانواده های زندانیان سیا - سی با پاسداران درگیر شد و پیدا میکنند و در جریان درگیری به دادستانی انقلاب هم کسه سرو کله اش پیدا شده اعتراض کرده و نمیکشند و در پیروا - اسلحه اش را بیرون کشیده و روی شقیقه یکی از پاسداران میگذارد. که در این موقع اعتراض تمام می خانواده ها بلند میشود.

بالاخره دادستانی انقلاب قول میدهد که یک زندان عالی درست کرده و تا آن موقع کوکتر و آب یخ در اختیار زندانیان بگذارد. ★

بقیه از صفحه ۱۳

انقلابی یک یک این فاشیستها و جنایتکاران آماده است!

اعدام، شکنجه، سوغات اشغالگران حکومت

۱ - تا بحال نزدیک به ۱۵ نفر را در سنج اعدام کرده اند که تعدادی از آنها دختر بوده اند. قبل از اعدام آنها را به شدت شکنجه کرده اند و وحشیانه چشم یکی از پسرهارا با آزار از زبان چریکهای فدایی بوده است به نام "غلام خاکباز" از حلقه در آورده اند. به دختر - ان تجاوز کرده و در روستاهای آنها و آبشار سوزانده اند.

۲ - در زندان شهر باغی شهر سنج در حدود ۲۰۰ - ۲۵۰ زندانی جاداده شده اند که همگی بعد از بیرون رفتن بشمرگان دستگیر شده اند اینها روزی ۱۰ دقیقه اجازه هوا خوری دارند و بیا به زیر زمین که قبلاً آنجا بوده منتقل میشوند. آب -

زندانیان ممنوع الملاقات بوده و خانواده های شان تنها با نامه از احوالات آنها مطلع میشوند.

۳ - رژیم جمهوری اسلامی به پاس خدمات پیشمرگان مسلمان کرده، این جاشها و قاتلین خلق قهرمان کردوان برادران دینی بنی صدر به هر یک از آنها ماهی ۳۰۰۰ تومان پول، یک لنگه پونج، یک حلب روغن، و تعدادی تاید میدهد. و آنهم در زمانی که کردستان قهرمان و تمامی غرهای آن از نظر اقتصادی محاصره است و مردم شدیداً در مضیقه مالی و غذایی به سر میبرند.

روز پیشمرگه کومله گرامی باد

"به مناسبت سی و یکم خرداد دومین سالروز شهادت رفیق شهید "سعید معینی" (خان) ستاره درخشان آسمان مبار - زات خلقها و زحمتکشان ایران مراسمی در محراب دویو کسان

برگزار شد. دو سال قبل در چنین روزی کاک خانه در جریان یک نبرد نابرابر همراه ۷ تن دیگر از همزمانش در نزدیکی روستای "دری" (منطقه ماوت کردستان عراق) بدست رژیم فاشیست بعث به شهادت رسید.



رفیق "سعید معینی" او - لین پیشمرگ و اولین شهید کومله بوده و به همین مناسبت روزی و یکم خرداد از سوی سازمان ما "روز پیشمرگه کومله" اعلام گردیده است. تادرسهایی از این جوان و استقامت و فداکاری که این

رفیق شهید در مبارزه برای - بیداری زحمتکشان و علیه - قدرتها فاشیستی و وابسته به امپریالیسم جاداده است. سرفش همه پیشمرگان کومله قرار گیرد. و این روز یادآور زندگی افتخار آفرین همه پیشمرگان شهید باشد.

(نقل از خبرنامه کومله شماره ۵۲ به تاریخ ۵۹/۲/۲) سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر نیز روز شهادت رفیق سعید معینی را همراهِ با تمامی پیشمرگان قهرمان سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) و خلق قهرمان کردستان و کاردگران و زحمتکشان سراسر ایران گرامی میدارد. بایدش جادوان و خاطره اش گرامی باد.

۴ - نقل قولها همه از اعلامیه سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران، "در باره گروگان گیری جنوب دمکرات" به تاریخ ۵ / ۵۹ / ۲ میباشد. ★

سی و یک خرداد روز پیشمرگه کومله له گرامی باد!

بقیه از صفحه ۱۴

اخبار کردستان...

نگونه که قبلاً به آگاهیتان رساندیم در تاریخ ۱۸ / ۵ / ۵۹ / ۲ پیشمرگان سازمان انقلابی رزمندگان کردستان ایران (گومه‌له) عده‌ای از مالکین شرور منطقه "نهلین" از توابع پیرانشهر را خلع سلاح و دستگیر کردند. علت دستگیری آنها تماشای مکرری بود که نما - بندگان این عده اخیراً در تهران با مقامات هیا حاکمه ضد خلقی برقرار نموده بودند... علاوه برخی از این افراد اخبار این دولت بعثی عراق نیز تماس برقرار نموده اند و هم‌اکنون یکی از آنها بنام "محمد کاک" قادر در آنجا به سرمبرد. آخر برای آنها فرقی نمیکند در خدمت کدام ارباب باشند. متافع خودشان مهم است. سازمان انقلابی رزمندگان کردستان ایران با یک اقدام انقلابی عده‌ای از مرتجعین و مالکین منطقه را دستگیر کرده و قصد دارد که آنها را در دادگاهی با شرکت دهقانان و رزمندگان منطقه "بطور علنی" مجاکمه کند که حزب دمکرات از راه میرسد.

"حزب دمکرات از همان روز دستگیری این مرتجعین مصرا نه آزادی آنها را درخواست نمود و بطور رسمی و غیر رسمی بارها از این بابت تحت فشار قرار داد. یکبار می گفتند که این افراد با اطلاع حزب دمکرات به تهران رفته و با دولت تماس گرفته اند. بار دیگر اینطور استدلال میکردند که اصولاً گومه‌له جق مخالفت در امور اجرایی دارند. ارد...!!"

و بالاخره "حزب دمکرات" در دادگاه متفاهم‌هاش برای آزادی این مرتجعین.....

ادی این مرتجعین..... پیشمرگان گومه‌له را محاصره و دستگیر نمود.

سازمان انقلابی رزمندگان کردستان ایران در ادامه اعلامیه خود مبنای این عمل حزب دمکرات را با ارائه تعداد زیادی فاکت از دیگر عملکردهای فدا انقلابی حزب دمکرات در مورد توده‌های رزمکنش روشن نموده و مینویسد "حزبی که نسبت به توده‌های رزمکنش اینطور رفتار میکند و نه فقط در عمل بلکه در سیاست و خط مشی عمومی خود چنین روشی را انتخاب میکند، طبیعی است که نسبت به پیشمرگان انقلابی نیز چنین رفتاری در پیش بگیرد...."

"در حال ما ایمان داریم به که رزمکنشان و خلق رزمنده گرد بشتیمان آن نیرویی هستند که در جهت منافع و خواسته‌هایشان مبارزه کنند و با اتکا به همین پشتوانه است که ما توانسته ایم در مرحله دوم جنبش مقاومت با دادن نزدیک به ۱۰۰ شهید در مقابل سرکوبگران با سرسختی مقاومت کنیم بنا بر این طبیعی است که میتوانیم در مقابل هر نیرویی که خیال اقداسی بر علیه ما را داشته باشد با قدرت ایستادگی کنیم و به آن جواب مناسب بدهیم. اما آنچه برای ما مهم است احسان مسئولیت در برابر خلق و جنبش مقاومت میباشد. بهترین دلیل بنا به تقاضای حزب دمکرات مسافرتی که کردیم که پیشمرگان اسیر گومه‌له را با اربابهای شرور "نهلین" مبادله کنیم." حزب دمکرات در جریان رد و بدل کردن گروهک‌ها، گروهیان ارتشی اسیر را پس نداد و طبق معمول مسئولان حزب جواب دروغ میدادند.

و گفته اند که وی کم شده! براستی که او ج گیری مبارزه طبقاتی در سراسر ایران و در قلب انقلاب ایران - کردستان - روزه روز بیشتر دست سازشکا - ران را "رو" میکند و روز به روز بیشتر همراه با واقعی خلقها را به کارگران و رزمکنشان میبشمارد و آنچه خوب و واقعی میگوید گومه‌له وقتی میبشمارد: "در پایان ما به مسئولان حزب دمکرات میگوئیم که این نوع اعمال بی منطق و خود سرانه شما در تنبلی از رشد سازمان ما جلوگیری نمیکند بلکه برعکس باعث میشد که گومه‌له روز به روز بیشتر در دل خلق جا باز کند."

خلق کرد و تداوم حماسه‌های مقاومت

چند روز پیش در حاجی آباد از محلات فقیرنشین اطراف شهر سنندج تعدادی از پیشمرگه‌های جنبش مقاومت (به احتمال قوی گومه‌له) در یک خانه خالی به کمین می‌نشینند. پیشمرگان قبلاً با تلفن با اعدایان و جاسوسان مطلع میکنند که در یک خانه خالی در حاجی آباد درخت و آمدهای مشکوک صورت میگیرد. بلافاصله تعدادی جاسوس و پاسدار با اسلحه و تیرباران و سوار ماشین آهروانه محل میشوند یکی از پیشمرگان با لباس زینسری جلودرب خانه مقابل میایستد و به مجرد دیدن پاسداران به آنها خانه را نشان میدهد و میگوید من به داخل خانه نیامده‌ام بهر است چون امکانش ندارد مرا بشناسند و بعداً اذیت کنند. پاسدارها بلافاصله به خانه حمله می‌کنند حمله پاسداران به خانه همان و گشته شدن همه آنها توسط پیشمرگان قهرمان همان پیشمرگان بعد از موفقیت عملیات با ماشین

و تیرباران و سایر تجهیزات کشته همراه با اعدایان بوده محل را ترک میکنند!

* - در محله چهارمیان سنندج در منزل یکسری از جاسوسان اسم جمال آری و (جمال فلسفی) که یکی از جاسوسان مشهور شهر است بوسیله خود خرا انقلابی بمب کسار گذاشته شده است و بانی ویرانی و ویرانی شده اند. جمال فلسفی یکی از کثیف ترین جاسوسان سنندج است که به هائوگی برای شناسایی جوانان انقلابی و کویست کردستان به تهران آمده و چند نفری را هم با دهنه و چاقی مجروح و دستگیر کرده است.

در کنار تلاش اهالی قهرمانان سنندج، از کوچک و بزرگ برای دستگیری جاسوسان و زدن به پایداران و ارتشیان مهاجم پیشمرگان گومه‌له نیز با شتاب شهرت و آوازه گرفته جاسوسان را دستگیر کرده و با خود می‌برند.

* - برای شهرت فلسفی سنندج تعدادی جاسوسان غیر بومی از محله‌های اطراف سنندج و اطراف آن آمده اند. افسران شهرتانی قبلی شهر سنندج که مقاومت و دلیری و اعتماد سیاسی خلق دلاور شهر مقاومت را و سازمانهای سیاسی اش دیده و حاضر نبوده اند علیه مردم دلاور کردستان کار کنند دیگر برای رژیم جمهوری اسلامی قابل قبول نبودند. تاکنون افسران این مزدوران قابل اعتماد حکومتی بوده اند!

* تمام کسانی که در شکنجه‌ها و بازجویی های اخیر شهر سنندج دست داشته اند شناسایی شده و اسامی آنها در اکثر نقاط شهر مقاومت نصب شده است. خلق کرد و خلقهای سراسر ایران برای افسران و جاسوسان در محله

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

بنگه

در پیاداری زحمتکشان شهر مقاومت!



اخبار کردستان قهرمان

کومه له، حزب دمکرات
وما لکین کردستان

در تاریخ ۲۸ خرداد حزب
دمکرات، کردستان دهها
بیشمرگ مسلح به سلاحهای
سنگین و میک خود را به دستگیری
بیشمرگان کومه له میفرستاد و
راه سردشت - پیرانشهر، تعفت
ادی از بیشمرگان کومه له را که
یک گروهیان ارتشی را هم
اسیر داشتند دستگیر کردند!
خاورمان انقلابی زحمتکشان
کردستان ایران (کومه له)
در این باره اعلامیه ای به نام
درباره گروگان گیری حزب
دمکرات "نوشته است که در آن
ماهیت این عمل حزب و غرض
آن را توضیح داده است.
"هم می بیند مبارز احمد
بقیه در صفحه ۱۳"

اهل و اطباء آن با بنگه ها چه بود؟
مردم کردستان بعد از یک
مقاومت جاننا زانه ارتش و
پاسداران را از شهرها بیرون
ریخته بودند اما آنها باز ما -
نهای سیاسی خلق کرده خوبی
میدانستند که جنگ و مبارزه
پایان نیافته و رژیم جمهوری
اسلامی تا وقتی سرکار است
و برای بنگه هر سرکار بماند،
حتماً به کردستان لشکر می کشند
زیرا این جمهوری نمیتواند
تحمل کند، در جایی نوده ها
حاکمیت خویش را اعمال کنند
از اینرو مردم از شوراها ایشان
دو کار می طلبیدند یکی اداره
امور شهر در موقعیت کنونی
و دوم دفاع از شهر در زمان
جنگ. و بنگه ها که بازوی مسلح
شوراها بودند برای این هدف
دوم تشکیل شدند.

شوراها به وظایفی از قبیل
قیمت گذاری کالا، توزیع
عادلانه مواد غذایی و مصرفی که
با توجه به معاش مردم بودی -
دستان بسیار مهم بوده است، و
رسیدگی به مشکلات مردم هر محل
می پرداختند. آنها در رسیدگی
به تخطفات هم فعال بودند،
دستگیری دزدها، جاشها،
جمع آوری مشروبات الکلی و
معالجه معتادین از وظایف
شوراها محلات بود.
بخصوص در مورد اغیر شوراها
یکسره و بایک برتا به ضربتی
معنادین را جمع آوری کرده و
تمام مواد مخدر شهر را دور
میختند. و به معالجه معتادین
پرداختند بسیاری از این

بقیه در صفحه ۱۱

شوراها کارخانه ای -
حدودی این نقش را بازی کرده
دند. و انقلاب شوروی نیز
شوراها و در انقلاب چین کمونیست
روستایی همین وظیفه را به
عهده داشتند. بنا به موقعیت،
این ارگانها می توانستند،
سازمانهای دفاع، مقاومت
و یا تفریح باشد.
بنگه ها و شوراها محلات
نیز یکی از همین ارگانها
بودند که جنبش مقاومت خلق
کرد را سازمان میدادند.
همیشه وقتی نوده ها قدرت
میگرفتند، ارگانهای دولتی
قدرتشان ضعیف می شود و این
درست همان چیزی بود که بعد
از تحن قهرمانان و یکما همه
مردم بسطج در استانهای
این شوریه سرارگانها و دولتی
جمهوری اسلامی آمد.
نوده ها امور خوشتر را بدست
خویش می گرفتند و دیگران را
اعضای به ما زما به حساب می
دولتی بداندستند.

در اینجا بود که مردم برای
اداره امور شهر و برای رسیدگی
به مشکلات شهری و جدگیری
از تخطفات شورای محلی تشکیل
دادند. این شوراها محلات
منتخب مردم محل بوده و برای
یک نماینده از کارگران و بنگه
نماینده از زنان و یک نماینده
از معلمان و یک نماینده از کثرت
مندان و یک نماینده از اربابان
بان جمع شد و بررسی شورای
محله را بدست می گرفتند مجموعه
نمایندگان این محلات به صورت
ای مؤس محلات را تشکیل میدادند.
اما وظایف این شوریه

ارتش و پاسداران رژیم
جمهوری اسلامی بعد از ۲۶ د
مقاومت قهرمانانه مردم سنج
در مقابل اشغال شهر و تنها بعد
از خروج بیشمرگها از شهر توان
نستند وارد شهر شوند. بعد از ورود
اینان به شهر تبلیغات برای
فریب مردم سرسرایران، در
باره، خلق دلیر کرد و سازما -
نهای راستین سیاسی اشدت
گرفت. و در این راه بنگه ها
این سنگر مقاومت و سازمان
نوده ای خلق کرد در سنج
بیش از همه، زیر آماج دروغهای
پست و کثیف قرار گرفت.

بنگه کردی یعنی
"سنگر" و در شهر سنج بیش
از ده بنگه وجود داشت. دولت
بعد از اشغال شهر سنج گفت:
بنگه های را دیدل کردن مواد
مخدر، جای برقراری روابط
نا مشروع بین زنان و مردان
و استعمال مشروبات الکلی
بوده و برای نجات از فساد
پیدا شده است!

اما بنگه ها چه بودند؟

در هر مبارزه نوده ای، برای
مقاومت، شوریه و تانین ما به
زندگی، مردم باید به شکل
شوند. بدون سازماندهی و شکل
شده ای، هیچ انقلاب و مبارزه ای
به پیروزی نمیرسد. معمو
لا این ارگانها، با توجه به
تاریخ محلی و قومی و استفاده
از تجربیات تاریخی شکل
میگیرند. مثلاً در انقلاب مشر -
وطه، انجمنها و در قیام
بهمن ماه کمیته های محلی و

اتحادیه پهلادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده
سرمه پایداری و ایستادگی را در هم خواهد گویید!